

ایینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره دوم
خرداد و تیر ۱۴۰۵
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۸

۲۱۸

دوماهنامه
ایینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره دوم
خرداد و تیر ۱۴۰۵

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.37, No.2 Jun - Jul 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

218

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

سید احمد رضا قائم مقامی | عبدالجبار رفاعی / محمد سوری | منیر درکیچ / احمد زیلیج / روزچهر مصاحب
سید علی آقایی / سید محمد حسین حکیم | آریا طبیب زاده | محمدرضا رهبریان | رقیه قراهنی
مهدی اسفندیاری / روح الله کاظمی | رسول جعفریان | علی راد | امید طبیب زاده | شهباز محسنی
فرهاد طاهری | سیدرضا باقریان موحد

یادداشت های شاهنامه (۱۰) | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۵)
قدرت تحول آفرین ترجمه: حافظ شیرازی در اواخر دوران عثمانی و بالکان غربی هابسبورگ
بازنگری در تاریخ قرآن خیقانی | یادداشت های لغوی و ادبی (۷) | عباس فرساد، آغازکننده شعر به
لهجه قمی | اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر
احیای کامل عبقات الأنوار پس از صدوپنجاه سال انتظار | مطهری و مسئله زنان: مروری بر یادداشت های
تازه انتشار یافته | طومار (۱۵) | سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات بر اساس آرای رنه ولک (۵)

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: روزنامه دیواری های مدارس ایران



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش

Jap.isca.ac.ir

بازنگری در تاریخ قرآن خیقانی

همراه با معرفی پاره‌های نویافته آن^۱

مؤسسه الهیات اسلامی در دانشگاه هومبلت برلین؛ پروژه ایرانکرن | سید علی آقایی

سید محمد حسین حکیم

| ۱۰۰ - ۵۵ |

چکیده: قرآن مشهور به «قرآن خیقانی» از بیش از شصت سال پیش به سبب دارا بودن انجامه‌هایی تاریخ دار، توجه نسخه‌شناسان و پژوهشگران تاریخ کتابت قرآن و خوشنویسی اسلامی را به خود جلب کرده است. در پایان برخی اجزای این مصحف (که امروزه در مجموعه‌های مختلف جهان پراکنده‌اند)، یادداشتی به زبان فارسی و عربی از احمد بن ابوالقاسم الخیقانی وجود دارد که بر اساس آن قرآن در شعبان ۲۹۲ قمری نقطه‌گذاری و حرکت‌گذاری شده است. در پژوهش‌های پیشین عموماً با مفروض گرفتن اصالت تاریخ مذکور، از این قرآن به مثابه کهن‌ترین نمونه سبک کوفی شرقی یا سبک نوین در قرآن نویسی و به تبع آن، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ نگارش‌های قرآنی یاد شده است. به این ترتیب چندین دهه است که به قرآن خیقانی چونان «معیار» برای تعیین خاستگاه و تاریخ‌گذاری این سبک قرآن نویسی و تطور خطوط مصاحف قرآن استناد می‌شود. همچنین بخش فارسی این انجامه‌ها به عنوان کهن‌ترین شاهد متنی زبان فارسی نو به خط عربی معرفی می‌شود.

نگارندگان مقاله حاضر با بررسی دقیق همه انجامه‌های موجود از جنبه‌های مختلف نسخه‌شناسی و نیز استناد به نتایج طیف‌سنجی چندطیفی از انجامه یکی از اجزای این قرآن نشان داده‌اند که تاریخ ۲۹۲ قمری، الحاقی و ساختگی است. آنها همچنین با معرفی پاره نویافته‌ای از این قرآن و با اتکا به انجامه آن، تاریخ صحیح را ۲۹۲ قمری می‌دانند. این کشف، تاریخ‌گذاری قرآن خیقانی را دو قرن جابجا می‌کند و لزوم بازنگری در استنادات پیشین به این نسخه در تاریخ تطور خطوط قرآنی را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: قرآن خیقانی، کتابت قرآن، کوفی ایرانی، کوفی مشرقی، تاریخ‌گذاری نسخه‌های خطی، جعل.

A Revision of the Date of the Khayqāni Qur'an along with an Introduction of Its Newly Found Fragments

Abstract: For over sixty years, the manuscript known as the "Khayqāni Qur'an" has attracted the attention of codicologists and scholars of Qur'anic manuscript production and Islamic calligraphy due to its possession of dated

۱. این پژوهش در چارچوب پروژه ایرانکرن (۲۰۱۷-۲۰۲۰) در فرهنگستان علوم برلین - برندنبرگ و با حمایت مالی وزارت آموزش و پژوهش آلمان انجام شده است. تحریر انگلیسی این مقاله با مشخصات زیر در دست انتشار است:

"Forgeries in Qur'an Colophons: The Case of the Khayqāni Qur'an and the Challenge of Dating Early Qur'anic Manuscripts", in *Misattributions and Forgeries in Middle Eastern Manuscript Traditions*, eds. Sabine Schmidtke, George A. Kiraz, and Grigory Kessel (forthcoming, 2026).

از آقای میسائیل یوزف مارکس مدیر دپارتمان کرپوس کرانیکوم در فرهنگستان علوم برلین - برندنبرگ سپاسگزاریم که امکان دسترسی به تصاویر اجزای قرآن خیقانی در کتابخانه چستر بییتی و کتابخانه ملی اسرائیل و برگه‌های پراکنده آن در دیگر مجموعه‌های مختلف در جهان را فراهم کرد. تصویربرداری از جزء نویافته قرآن خیقانی نیز، که در مجموعه خصوصی متعلق به آقای سیدمحمد حسین غیاث علوی (قم) نگهداری می‌شود، با همت و پیگیری و پشتیبانی فرهنگستان علوم برلین - برندنبرگ میسر شد. شایسته است از همکاری ارزشمند آقای غیاث علوی هم یاد کنیم که با حسن نظر و روی گشاده اجازه داد از جزء قرآنی بازدید و تصویربرداری کنیم. از فرهنگستان علوم برلین - برندنبرگ که اجازه نشر تصاویر را از مجموعه‌های یادشده اخذ کرد متشکریم. تصاویر همه اجزا و برگه‌های پراکنده این قرآن در پایگاه داده آنلاین کرپوس کرانیکوم (corpuscoranicum.org) و حرفنویسی آنها در پایگاه داده آنلاین ایرانکرن (irankoran.ir) در دسترس‌اند. همچنین در مدت تحقیق و نگارش این مقاله از همفکری آقای محمدعلی خوانین‌زاده (دانشگاه خوارزمی) بهره‌مند بودیم که همینجا از او تشکر می‌کنیم.

۵۵

آینه پژوهش | ۲۱۸

سال ۳۷ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۵

colophons. At the end of certain sections of this codex (now dispersed across various collections worldwide), there is a note in Persian and Arabic by Aḥmad ibn Abū l-Qāsim al-Khayqānī, according to which the Qurʾān was provided with dotting and vowel marks in Shaʿbān 292 AH (June–July 905 CE). Previous scholarship has generally assumed the authenticity of this date, citing this Qurʾān as the earliest example of the Eastern Kūfic style or the "New Style" in Qurʾānic writing, and consequently as a turning point in the history of Qurʾānic scripts. For several decades, the Khayqānī Qurʾān has thus been used as a "reference point" for determining the origin and dating of this Qurʾānic script style and the development of Qurʾānic calligraphy. Furthermore, the Persian portion of these colophons has been introduced as the earliest textual evidence of New Persian written in the Arabic script.

The authors of the present article, through a detailed examination of all extant colophons from various codicological perspectives, as well as by citing the results of multispectral imaging of the colophon from one of the sections of this Qurʾān, have demonstrated that the date 292 AH is a later interpolation and forged. By introducing a newly discovered fragment of this Qurʾān and relying on its colophon, they propose the correct date to be 492 AH (1098–1099 CE). This discovery shifts the dating of the Khayqānī Qurʾān by two centuries and demonstrates the necessity of revising previous citations of this manuscript in the history of the development of Qurʾānic scripts.

Keywords: Khayqānī Qurʾān, Qurʾānic manuscript production, Iranian Kufic, Eastern Kufic, Manuscript dating, Forgery.

تاریخ‌گذاری دست‌نوشته‌های کهن قرآن برای مطالعه تطورات تاریخی کتابت مصاحف به طور خاص و شناسایی تاریخ تحول خط عربی به طور عام بسیار مهم است. آنچه این امر را دشوار می‌کند فقدان نشانه‌های تاریخی، اعم از نام کاتب، تاریخ کتابت، نام مالک یا واقف و تاریخ تملک یا وقف، و به طور کلی هر یادداشت تاریخی در دست‌نوشته‌های کهن قرآنی است که معمولاً به دلیل قدمت زیاد از بین رفته‌اند. با این وصف، اهمیت دست‌نوشته‌های کهن و تاریخ‌دار دوچندان می‌شود.

از محدود دست‌نوشته‌های قرآنی تاریخ‌دار از سده‌های نخست، قرآن سی جزئی مشهور به «قرآن خیقانی» است. این قرآن بر روی پوست در قطع کوچک و به فرمت عمودی (به ابعاد حدوداً ۹/۵ × ۱۲/۵ سانتی‌متر) و هشت سطر در هر صفحه نوشته شده است. همچون دیگر قرآن‌های کهن، جوهر متن قرآنی در اصل قهوه‌ای تیره بوده که با گذشت زمان به قهوه‌ای روشن تغییر رنگ داده است. به رسم و قاعده قرآن‌های کوفی کهن، بعضی (و نه لزوماً همه) حروف نقطه‌گذاری شده‌اند و از دایره‌های رنگی (رنگ قرمز برای قرائت اصلی و رنگ سبز برای قرائت دوم) برای اعراب‌گذاری حروف پایانی و گاه برای مشخص کردن حرکت حروف آغازین یا میانی کلمات استفاده شده است.^۱ گل‌آیه‌ها برای مشخص کردن پایان تک‌آیه و حرف «ه» برای تعیین دسته‌های پنج‌تایی آیات با رنگ طلایی و بالای آخرین کلمه آیه قرار گرفته‌اند. دسته‌های ده‌تایی آیات با یک دایره طلایی مشخص شده‌اند و یک ترنج طلایی با ترکیبی از رنگ‌های سبز و قرمز در حاشیه صفحه آمده که شماره آیات داخل آن نوشته شده است. بالای هر سوره، نام و شمار آیات همان سوره به خط کوفی و با رنگ طلایی نوشته شده و در حاشیه صفحه یک طرح تزئینی گیاهی کشیده شده است. روی نخستین برگه اجزای این قرآن خالی از متن قرآنی است. در نتیجه، آغاز هر جزء قرآنی در دو صفحه مقابل یکدیگر قرار گرفته که برای تمایز از دیگر صفحات، بالای هر دو صفحه با تزئینات گیاهی آراسته شده است.

با وجود نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری اولیه این مصحف که به شیوه معمول در مصاحف کهن کوفی انجام شده، همه اجزای این قرآن، احتمالاً در دوره‌ای متأخر با جوهری به رنگ مشکی، که آشکارا متفاوت با جوهر اصلی است، دوباره نقطه‌گذاری و حرکت‌گذاری شده‌اند. تقریباً همه حروفی که در نگارش اولیه بی‌نقطه رها شده بودند این بار به شیوه‌ای حداکثری، نقطه‌گذاری شده‌اند. این نقطه‌ها

۱. برای تفصیل بیشتر درباره کاربرد دایره‌های رنگی و دامنه استفاده از آنها در قرآن‌های کهن، ر.ک. George, 2015a, 2015b.

برای متمایز کردن همه حروف با شکل پایه یکسان «ب/ت/ث»، «ج/ح/خ»، «ذ/ذ»، «ر/ز»، «س/ش»، «ص/ض»، «ط/ظ»، «ع/غ»، «ف/ق»، «ن»، «ی» به کلمات افزوده شده‌اند. این ویژگی ممتاز این نسخه است که حروف «د»، «ر»، «ص» و «ط» هم با یک نقطه در زیر از هم نویسه خود «ذ»، «ز»، «ض»، «ظ» متمایز شده‌اند، سه نقطه زیر «س» قرار گرفته و دو نقطه به «ی» پایانی افزوده شده که همیشه داخل کاسه «ی» قرار گرفته‌اند. یک عین کوچک هم برای متمایز کردن دو حرف «ح» و «ع» اضافه شده است.

به طور مشابه، علائم حرکت گذاری موسوم به شیوه خلیل بن احمد شامل فتحه، ضمه، کسره، سکون، تشدید، علامت همزه، و علامت مد با همان جوهر مشکی به متن اضافه شده‌اند. این علائم عمدتاً بالا یا زیر حروفی درج شده‌اند که پیشتر با نقطه‌های قرمز رنگ اعراب گذاری نشده بودند. ظاهراً با همین جوهر و با قلمی متفاوت با قلم اصلی جاهای مختلف این دست‌نوشته، که به احتمال زیاد در اثر مرور زمان کم‌رنگ شده بودند، بازنویسی و پررنگ شده‌اند و در مواردی رسم الخط قرآن نیز اصلاح شده است.

در پایان برخی اجزای کامل این قرآن یادداشتی به فارسی و عربی از فردی به نام احمد بن ابی‌القاسم الخیقانی آمده که تصریح می‌کند هم‌اکنون این قرآن را نقطه‌گذاری و حرکت‌گذاری کرده است. به واسطه همین یادداشت، این قرآن سی جزئی، یا به تعبیری که در یکی از انجامه‌ها آمده، این قرآن «سی پاره» به «قرآن خیقانی» شهرت یافته است.

اجزای شناخته قرآن خیقانی

چند جزء کامل و پاره‌هایی از دیگر اجزای قرآن خیقانی در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف در ایران و جهان پراکنده‌اند (برای جزئیات، ن. ک. جدول یک). شناخته‌ترین اجزای این قرآن در کتابخانه چستر بییتی (دابلین) ذیل شماره ثبتی Is 1417 نگهداری می‌شوند، که آرتر آربری^۱ آنها را در مقاله‌ای در دهه شصت میلادی (1964: 7-16) و همچنین در فهرستی که در دهه هفتاد میلادی برای قرآن‌های کتابخانه چستر بییتی فراهم آورد (1967: 10)، معرفی کرده بود (نیز ن. ک. James, 1980: 26). مشخصات این اجزاء به قرار زیر است:

Is 1417A: 47 برگ، شامل جزء سوم قرآن (البقرة: ۲۵۲- آل عمران: ۹۲). آیه ۹۲ در پایان برگه ۴۷ رو محو و بازنویسی شده است. روی برگه ۱ با جوهر مشکی و قلمی متفاوت با قلم استفاده‌شده در

1. Arthur Arberry

متن و انجامه دست‌نویست نوشته شده «الثالث» و پشت برگه ۴۷ یادداشتی با عباراتی ترکیبی از فارسی و عربی آمده است: «این جامع در پست بگرد | احمد بن ابی القسیم الخیقانی | حفظه الله فی کنفه | وذلك في شهر الله المبارك سنة | اثني وتسعين وماتين».

Is 1417B: ۴۶ برگ، شامل جزء پنجم قرآن (النساء: ۴۴-۱۴۷). با احتساب میانگین تعداد کلمات هر صفحه از این قرآن، احتمالاً پنج برگ اول این جزوه مشتمل بر بخش آغازین جزء پنجم (النساء: ۲۴-۴۴) افتاده و در عوض چهار برگ مربوط به بخش‌هایی از اجزای دیگر در آغاز این جزوه قرار گرفته‌اند که آیاتی از اجزای دهم (برگه ۳، التوبة: ۸۰-۸۳)، دوازدهم (برگه ۴، هود: ۸۴-۸۸)، هجدهم (برگه ۱، الفرقان: ۲-۵)، و نوزدهم (برگه ۲، الفرقان: ۲۷-۲۲) را در بر دارند. این جزوه فاقد برگ آغازین است و به همین دلیل اطلاعی از درج شماره جزء روی برگ نخست نداریم. یادداشتی مرکب از فارسی و عربی زیر آیات قرآن در آخرین برگه (۴۶ رو) درج شده است: «این جامع را در پست بگردم | وکتب الخیقانی بخطه». پشت برگه آخر خالی از نوشته است.

Is 1417C: ۴۸ برگ، شامل جزء نهم قرآن (الأعراف: ۸۸-الأنفال: ۳۸). برگ پایانی جزوه مشتمل بر آیات پایانی جزء نهم (الأنفال: ۳۸-۴۰) از این جزوه افتاده، و در عوض دو برگه حاوی آیات پایانی جزء دهم (برگه ۴۷، التوبة: ۸۳-۸۷، و برگه ۴۸، التوبة: ۹۳) به انتهای این جزوه افزوده شده است. روی برگه نخست با قلم و خطی متفاوت با آنچه در کتابت متن قرآنی استفاده شده «التاسع من کتاب الله | بعالی دکره» نوشته شده و پشت برگه آخر، که در اصل برگه آخر جزء دهم این قرآن است، اثری از یادداشت خیقانی نیست.

Is 1417D: ۴۶ برگ، شامل بخش پایانی جزء هجدهم قرآن (برگه ۱، الفرقان: ۱-۲) و جزء نوزدهم قرآن (برگه‌های ۲-۴۴، الفرقان: ۲۷-النمل: ۵۳، و برگه ۴۶، النمل: ۵۳-۵۵). برگه‌های ۱-۲ جزوه B باید بین برگه‌های اول و دوم این جزوه قرار گیرند. با توجه به میانگین کلمات صفحات این قرآن، احتمالاً چهار برگه دیگر هم از بین این دو برگه افتاده‌اند که آیات ۵-۲۱ سوره الفرقان را در بر داشته‌اند. پیش از برگه آخر جزوه، یک برگه از جزء دوازدهم (برگه ۴۵، هود: ۲۷-۲۹) درج شده که مربوط به این جزء نیست. روی برگه نخست با جوهر و قلمی مشابه با یادداشت روی برگه نخست جزوه A نوشته شده «التاسع عشر» که نشان می‌دهد برگه‌های حاوی آیات پایانی جزء هجدهم الحاقی نیستند و در اصل به همین جزوه تعلق دارند؛ به بیان دیگر، جزء نوزدهم این قرآن با سوره الفرقان آغاز می‌شود.^۱ پشت برگه ۴۶ یادداشت زیر به فارسی و عربی آمده است: «این جامع را

۱. در تقسیم‌بندی کنونی قرآن، جزء نوزدهم از آیه ۲۱ سوره الفرقان آغاز می‌شود.

در پست بگرد احمد بن | ابو القسیم الخیقانی و ذلك في الشعبان | سنه اثني وتسعين واثني مائه | غفر الله له و لجميع امه محمد عليه | السلام».

جزء پانزدهم این قرآن در کتابخانه ملی اسرائیل به شماره ثبتی Yah. Ar. 966 نگهداری می‌شود. این جزوه ۵۰ برگ دارد و جزء پانزدهم قرآن (الإسراء: ۱-الکھف: ۷۴) را شامل می‌شود. شماره جزء که روی برگه نخست نوشته شده: «الخامس عشر» از حیث جوهر و قلم مشابه جزوه‌های A و D از دست‌نویست چستر بییتی است و پشت برگه ۵۰ یادداشتی ترکیبی به فارسی و عربی آمده است: «این جزء پی باره جمله | در پست بگرد بعجم و نقط | و تشدید احمد خیقانی | نصره الله في الدين بمنه سنه | اثني وتسعين واثني مائه».

تا زمان نگارش این مقاله سه جزء دیگر از این قرآن را شناسایی کردیم که در زیر به اجمال معرفی می‌شوند:

جزء نخست این قرآن روز نخست ماه مه ۲۰۱۹ در حراج ساتبیز لندن به فروش رفته^۱ و چنانکه از عرضه بنگاه سم فاگ در لندن^۲ بر می‌آید اکنون در یک مجموعه خصوصی در آلمان نگهداری می‌شود.^۳ این جزوه ۳۸ برگ دارد. بنا بر توضیحات ارائه شده در حراجی ساتبیز، برگه نخست، که در بردارنده سوره فاتحه بوده، افتاده و جزوه با سوره بقره که روی برگه ۱ نوشته شده همراه با تزیین مربوط به شروع جزء آغاز می‌شود. با توجه به ساختار دیگر اجزای این قرآن، روشن است که روی برگه افتاده خالی از متن قرآنی بوده و متن قرآنی جزء اول نیز همانند دیگر اجزای این قرآن، از پشت برگه نخست شروع می‌شده است. این جزوه آیات ۱-۵۷ (برگه‌های ۱-۱۵)، ۶۱-۱۰۵ (برگه‌های ۱۶-۳۲)، ۱۰۹-۱۲۱ (برگه‌های ۳۶، ۳۵، ۳۸ و ۳۷)، ۱۲۵-۱۲۷ (برگه ۳۳) و ۱۳۵-۱۳۸ (برگه ۳۴) از سوره بقره را در بر می‌گیرد. روشن است که برگه‌هایی از میانه این جزوه و نیز برگه‌های حاوی آیات پایانی جزء اول قرآن (آیات ۱۳۸-۱۴۱) افتاده‌اند. ترتیب برگه‌های آخر جزوه نیز به هم ریخته است.

جزء بیست و سوم این قرآن نیز در مجموعه ساریخانی در لندن به شماره ثبتی I.MS.1032 نگهداری می‌شود که در سال ۲۰۲۱ در نمایشگاه «ایران: پنج هزار سال هنر و فرهنگ» در موزه هنر اسلامی برلین به نمایش درآمده بود (Franke, 2021: 184).^۴

1. "An illuminated miniature Qur'an section on vellum", www.sothebys.com (1 May 2019, lot 1).

در توضیحات یادآوری شده که برگه‌هایی از همین قرآن در حراج‌های پیشین همین حراجی به فروش رفته‌اند: Sotheby's, 20 November 1986, lot 280; 14 December 1987, lot 198; and 29 April 1990, lot 141.

2. "An important 'new style' Qur'an section", www.samfogg.com (consulted at 13.3.2021).

۳. متأسفانه تماس با بنگاه سم فاگ برای کسب اطلاع بیشتر درباره خریدار و مکان نگهداری این پاره قرآنی بی‌نتیجه ماند.

۴. برای کسب اطلاع بیشتر در باره این جزوه و امکان دسترسی به تصاویر آن، با مجموعه دار در تماس هستیم.

جدول یک. فهرست اجزای قرآن خیقانی در کتابخانه ها، موزه ها و مجموعه های خصوصی

محل نگهداری	جزء قرآنی	تعداد برگه	شماره ثبتی / شماره برگه	آیات قرآنی
حراج ساتبیز، اول مه lot 1، ۲۰۱۹	اول	۳۸ از ۴۴۷	۱۵-۱	البقرة: ۱-۵۷
			۳۲-۱۶	البقرة: ۶۱-۱۰۵
			۳۶	البقرة: ۱۰۹-۱۱۱
			۳۵	البقرة: ۱۱۲-۱۱۴
			۳۸	البقرة: ۱۱۴-۱۱۸
			۳۷	البقرة: ۱۱۸-۱۲۱
			۳۳	البقرة: ۱۲۵-۱۲۷
			۳۴	البقرة: ۱۳۵-۱۳۸
کتابخانه چستر بیتی (دابلین)	دهم	۳	۴۷-۱/Is 1417A	البقرة: ۲۵۲-آل عمران: ۹۱
			۴۶-۵/Is 1417B	النساء: ۴۴-۱۴۷
			۴۶-۷/Is 1417C	الأعراف: ۸۸-الأنفال: ۳۸
			۳/Is 1417B	التوبة: ۸۰-۸۳
			۴۷/Is 1417C	التوبة: ۸۳-۸۷
			۴۸/Is 1417C	التوبة: ۲۹۳
دوازدهم	۲	۴۵/Is 1417D	هود: ۲۷-۲۹	
		۴/Is 1417B	هود: ۸۴-۸۸	
کتابخانه ملی اسرائیل	پانزدهم	۵۰	۱-۵۰/Yah. Ar. 966	الإسراء: ۱-الكهف: ۷۴
کتابخانه چستر بیتی (دابلین)	نوزدهم ^۳	۴۸ از ۴۵۲	۷/Is 1417D	الفرقان: ۱-۲
			۷/Is 1417B	الفرقان: ۲-۵
			۲/Is 1417B	الفرقان: ۲۷-۲۲
			۴۴-۲/Is 1417D	الفرقان: ۲۷-النمل: ۵۳
			۴۶/Is 1417D	النمل: ۵۳-۵۵
مجموعه ساریخانی (لندن)	بیست و سوم	؟	I.MS.1032	؟

۱. در تقسیم بندی کنونی قرآن، جزء سوم به آیه ۹۲ سوره آل عمران ختم می شود. برای توضیحی درباره این ناهماهنگی، ن.ک. ادامه مقاله.

۲. در تقسیم بندی کنونی قرآن، جزء دهم به آیه ۹۲ سوره التوبة ختم می شود.

۳. در تقسیم بندی کنونی قرآن، جزء نوزدهم از آیه ۲۱ سوره الفرقان آغاز می شود.

برگه‌های پراکنده‌ای از دیگر اجزای این قرآن را می‌توان در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی یافت.^۱ این برگه‌ها آیاتی از اجزای هفتم (المائدة: ۱۱۷-۱۲۰ و الأنعام: ۱-۳، ۳۵-۴۶، ۶۳-۵۹، ۷۳-۶۹، ۸۰-۷۷، ۹۴-۸۶) و بیست‌ونهم (القلم: ۳۸-۴۵، الحاقا: ۱-۱۹، ۴۶-۵۲، المعارج: ۱-۵، ۳۷-۴۴، نوح: ۱-۱۰، الجن: ۴-۱۰، ۲۴-۲۸، المزمل: ۱-۱۳، ۲۰، المدثر: ۱-۱۴، ۲۴-۳۱، ۵۶-۳۸، القيامة: ۱-۴۰، الإنسان: ۱-۱۳، ۲۵-۳۱، المرسلات: ۱-۳، ۲۵-۵۰) قرآن را دربردارند (برای جزئیات، ن.ک. جدول دو).

جدول دو. فهرست برگه‌های اجزای هفتم و بیست‌ونهم قرآن خیقانی در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی

محل نگهداری	شماره ثبتی	تعداد برگه	جزء قرآنی	آیات قرآنی
موزه هنر متروپلیتن (نیویورک)	26.161.1	۲	هفتم	المائدة: ۱۱۷-الأنعام: ۳
مؤسسه هنرهای دیترویت (میشگان)	25.73.A	۱	هفتم	الأنعام: ۳۵-۴۲
موزه هنر متروپلیتن (نیویورک)	1997.299	۱	هفتم	الأنعام: ۴۲-۴۶
مؤسسه هنرهای دیترویت (میشگان)	25.73.A	۱	هفتم	الأنعام: ۵۹-۶۱
موزه هنر ایندیاناپولیس (ایندیانا)	23.31	۱	هفتم	الأنعام: ۶۱-۶۳ و بعد از آن ^۲
کتابخانه کنگره آمریکا (واشنگتن)	AL-20	۲	هفتم	الأنعام: ۶۹-۷۱، ۷۷-۸۰
حراج ساتنیز	14.10.1987, lot 198	۲	هفتم	الأنعام: ۷۱-۷۳ و بعد از آن ^۳
موزه هنر ایندیاناپولیس (ایندیانا)	23.31	۱	هفتم	الأنعام: قبل از ۸۶-۸۸
کتابخانه دانشگاه براون (پراویدنس، رود آیلند)	6554	۱	هفتم	الأنعام: ۹۱-۹۳
کتابخانه دانشگاه براون (پراویدنس، رود آیلند)	6557	۱	هفتم	الأنعام: ۹۳-۹۴
کتابخانه دانشگاه براون (پراویدنس، رود آیلند)	6595	۱	بیست‌ونهم	القلم: ۳۸-۴۵

۱. برای فهرست نسبتاً کاملی از این برگه‌ها، شامل کتابخانه کنگره آمریکا (واشنگتن)، موزه دانشگاه پنسیلوانیا (فیلادلفیا)، مجموعه ناصر خلیلی (لندن)، موزه هنر متروپلیتن (نیویورک)، گالری هنر فرییر و سکلر (در مؤسسه اسمیت سنن، واشنگتن)، موزه هنرهای زیبا (بوستن)، و مواردی که در آرشیو حراج ساتنیز (۲۰ نوامبر ۱۹۸۶، ش ۲۸۰، ۱۴ دسامبر ۱۹۸۷، ش ۱۹۸، ۲۹ آوریل ۱۹۹۰، ش ۱۴۱) آمده، رک. کریمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۲. به اطلاعات این مقاله دستکم پنج مورد دیگر می‌توان افزود: موزه هنر (لس آنجلس)، موزه‌های هنر هاروارد (در دانشگاه هاروارد)، کتابخانه دانشگاه براون (پراویدنس، رود آیلند)، مؤسسه هنرهای دیترویت (میشگان)، موزه هنر ایندیاناپولیس (ایندیانا).

۲. چون تصویری که از این برگ در اختیار ماست تنها شامل طرف روی آن است، به دقت نمی‌دانیم که این برگ به چه آیه‌ای ختم می‌شود.

۳. از آنجا که کاتالوگ ساتنیز تصاویر همه برگه‌ها را در بر ندارد، آیات آغاز یا پایان برگه‌ها دقیقاً معلوم نیست.

۴. چون تنها تصویر پشت این برگ در اختیار ماست، مشخص نیست که این برگ دقیقاً از چه آیه‌ای آغاز می‌شود.

محل نگهداری	شماره ثبتی	تعداد برگه	جزء قرآنی	آیات قرآنی
کتابخانه کنگره آمریکا (واشنگتن)	1-84-154.28b	۲	بیست ونهم	الحاقه: ۱-۱۹
کتابخانه کنگره آمریکا (واشنگتن)	1-87-154.82a	۱	بیست ونهم	الحاقه: ۴۶-المعارج: ۵
حراج ساتبیز	29.4.1990, lot 141	۴	بیست ونهم	المعارج: قبل از ۳۷-۴۱
مجموعه ناصر خلیلی (لندن)	KFQ 26	۲	بیست ونهم	المعارج: ۴۲-نوح: ۱۰
موزه های هنر هاروارد (در دانشگاه هاروارد)	1927.161.1	۱	بیست ونهم	الجن: ۴-۱۰
گالری هنر فرییر و سکلر (واشنگتن)	S1998.7	۱	بیست ونهم	الجن: ۱۷-۲۴
موزه دانشگاه پنسیلوانیا (فیلادلفیا)	7729-30	۲	بیست ونهم	الجن: ۲۴-المزمل: ۱۳
موزه های هنر هاروارد (در دانشگاه هاروارد)	1927.161.2	۱	بیست ونهم	المزمل: ۲۰: المدثر: ۱۴
حراج ساتبیز	20.12.1986, lot 280	۱	بیست ونهم	المدثر: قبل از ۲۴-۳۱
گالری هنر فرییر و سکلر (واشنگتن)	S1997.92	۱	بیست ونهم	المدثر: ۳۸-۵۴
موزه هنرهای زیبا (بوستن)	19.779.1-2	۲	بیست ونهم	المدثر: ۵۴-الإنسان: ۱
کتابخانه دانشگاه براون (پراویدنس، رود آیلند)	6598	۱	بیست ونهم	الإنسان: ۱-۹
حراج ساتبیز	20.11.1986, lot 280	۱	بیست ونهم	الإنسان: ۹-۱۳ و بعد از آن ^۳
کتابخانه کنگره آمریکا (واشنگتن)	1-87-154.82a	۱	بیست ونهم	الإنسان: ۲۵-المرسلات: ۳
موزه هنر (لس آنجلس)	M.2002.1.403	۱	بیست ونهم	المرسلات: ۲۵-۳۷
موزه های هنر هاروارد (در دانشگاه هاروارد)	1965.499.2	۱	بیست ونهم	المرسلات: ۳۷-۴۸
موزه های هنر هاروارد (در دانشگاه هاروارد)	1965.499.1	۱	بیست ونهم	المرسلات: ۴۸-۵۰

خوشبختانه در میان هجده برگه جزء بیست ونهم که تاکنون شناسایی شده اند برگ آخرین جزوه هم هست (HAM 1965.499.1) که پشت آن یادداشت زیر به فارسی و عربی نوشته شده است: «اس جامع بعجم درست کرد | احمد بن ابی القییم الخیقانی». متأسفانه همچنان برگ اول این جزء مفقود است.

۱. ن. ک. پانوش دوم صفحه قبل.

۲. ن. ک. پانوش دوم صفحه قبل.

۳. ن. ک. پانوش دوم صفحه قبل.

از بررسی و مقایسه ویژگی‌های کلی اجزای کامل و برگه‌های پراکنده این مصحف سی‌پاره، می‌توان به نتایج زیر رسید:

۱. روی برگه اول و پشت برگه آخر همه اجزای این قرآن خالی از متن قرآنی است.
۲. متن قرآنی هر جزء از پشت برگه اول هر جزوه شروع شده و روی آخرین برگه آن به اتمام رسیده است. برای اینکه متن قرآنی پشت برگه پایانی جزوه ختم نشود، کاتب گاهی رویه کتابت هشت سطر در هر صفحه را کنار گذاشته و باقیمانده متن قرآنی آن جزء را بین دو صفحه آخر (پشت برگه یکی به آخر و روی آخرین برگه) به طور متقارن تقسیم کرده است (CBL Is 1417A، پشت برگه ۴۵ و روی برگه ۴۶؛ 1965.499.2، پشت برگه و 1965.499.1، روی برگه).

۳. ظاهراً روی برگه نخست شماره جزء قرآنی (CBL Is 1417A، برگه ۱ رو؛ Is 1417C، برگه ۱ رو؛ CBL Is 1417D، برگه ۱ رو؛ NLI Yah. Ar. 966، برگه ۱ رو) آمده است.

برگه‌های نخست اجزای اول (مجموعه شخصی احتمالاً در آلمان) و پنجم (جزوه Is 1417B)، و نیز اجزای هفتم، دهم، دوازدهم و بیست‌ونهم قرآن، که برگه‌هایی از آنها بین مجموعه‌های مختلف پراکنده‌اند، هنوز مفقودند و نمی‌توان این قاعده را در آنها سنجید.^۱

۴. پشت برگ‌های پایانی جزوه‌های A (برگه ۴۷) و D (برگه ۴۶) از دست‌نویشت CBL Is 1417 و نیز دست‌نویشت NLI Yah. Ar. 966 (برگه ۵۰ پشت) و پشت برگه HAM 1965.499.1 یادداشتی (به فارسی و عربی) نوشته شده است.

برگه پایانی جزوه Is 1417B از این قاعده تبعیت نمی‌کند: در این مورد، یادداشت پایانی روی برگه آخر (برگه ۴۶ رو) و پس از اتمام آیات قرآنی آن جزء نوشته شده و در نتیجه پشت برگه خالی مانده است.

برگه پایانی جزوه Is 1417C، که در اصل متعلق به جزء دهم قرآن است، اساساً فاقد یادداشت پایانی است.^۲

۱. درباره جزء بیست‌وسوم، منتظر نتیجه تماس با مجموعه دار هستیم.

۲. این احتمال بعید نیست که اجزای دیگری از این دست‌نویشت نیز در اصل یادداشت پایانی نداشته‌اند. ن.ک. ادامه.

از اطلاعات منتشرشده درباره جزء اول (حراجی ساتبیز) چنین بر می آید که برگه پایانی این جزوه مفقود است و نمی توان در این باره به نتیجه ای رسید. از برگه پایانی جزء بیست و سوم (مجموعه ساریخانی، I.MS.1032) نیز اطلاعی در دست نیست.

۵. گرچه هیچ یک از اجزای تاکنون شناخته این مصحف تاریخ کتابت ندارد، در پایان اجزای کامل (HAM 1965.499.1، NLI Yah. Ar. 966، CBL Is 1417 A, B, D) یادداشتی از فردی به نام احمد بن ابی القاسم الخیقانی آمده که ادعا می کند مصحف را نقطه گذاری و حرکت گذاری کرده است. در بعضی از این یادداشت ها تاریخ شعبان ۲۹۲ درج شده است که عموماً به عنوان «حد زمانی پایانی»^۱ برای تاریخ گذاری این دست نوشت در نظر گرفته شده است. در ادامه بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.

سرگذشت قرآن خیقانی

به دلیل نبود هر نوع نشان تملک، مهر یا یادداشت الحاقی روی اجزای کامل یا برگه های پراکنده قرآن، عملاً اطلاعی از سرگذشت این دست نوشت از زمان تصحیح تا دوران معاصر در دست نیست. آنچه از سرگذشت قرآن خیقانی می دانیم محدود به اطلاعات خرید و فروش و دست به دست شدن آنها طی یک قرن اخیر است. مشخص نیست در چه زمانی و از چه طریقی اجزای این قرآن به غرب رسیده است. نخستین سرنخها به دهه دوم و سوم قرن بیستم می رسد وقتی که اوراقی از جزءهای هفتم و بیست و نهم بین مجموعه داران و موزه ها و کتابخانه های آمریکا دست به دست می شد.

قدیمی ترین اطلاع ما عجلالتا مربوط به انتقال دو برگ از جزء بیست و نهم این قرآن است که در سال ۱۹۱۹ از سوی دنمن والدو راس (۱۸۵۳-۱۹۳۵)^۲ - نقاش و مجموعه دار - به موزه هنرهای زیبا (بوستن) هدیه داده شد (ش 1-2، 19.779).^۳ بین مالکان اولیه این قرآن یک نام بیش از دیگران

۱. *terminus ante quem*. در مطالعات تاریخی از این اصطلاح برای تعیین دیرترین زمان ممکن برای رخداد یک حادثه استفاده می شود. در مورد حاضر، بر فرض درستی تاریخ درج شده در انجامه ها، دیرترین زمان ممکن برای تولید دست نوشت همان سالی است که مصحح آن را تصحیح، نقطه گذاری و حرکت گذاری کرده است. روشن است که تصحیح نسخه و افزودن یادداشت پایانی ممکن است سال ها و حتی یک یا دو قرن پس از تولید دست نوشت صورت گرفته باشد، اما روشن است که دیرترین زمانی که می توان برای کتابت دست نوشت فرض کرد، همان تاریخ مذکور در انجامه (بر فرض اصالت) است. بدیهی است تاریخ درج شده در انجامه کمکی به تعیین حد زمانی آغازین (*terminus post quem*) برای تولید دست نوشت نمی کند و برای این منظور به شواهد و ادله دیگر تاریخی نیاز هست. حد زمانی آغازین برای این دست نوشت تاریخی است که نمی توان ساخت دست نوشت را پیش از آن تصور کرد.

2. Denman Waldo Ross

3. <https://collections.mfa.org/objects/15378> (consulted at 27.10.2024).

جلب توجه می‌کند: کرکور میناسیان (۱۸۷۴-۱۹۴۴)^۱ دلال و مجموعه‌دار ارمنی - ترک و یکی از فروشندگان‌های فعال آثار باستانی اسلامی و خاور نزدیک که بارها به خاور نزدیک و هند سفر کرد و آثار زیادی از آنجا برای فروش به آمریکا و کشورهای اروپایی برد و به بسیاری از موزه‌ها و کتابخانه‌های آنجا فروخت. او در نیویورک و پاریس گالری داشت و افزون بر فروش، خودش نیز مجموعه‌نویسی از آثار گوناگون باستانی و هنری جمع کرده بود. رد پای میناسیان در فروش تعداد زیادی از اوراق قرآن خیقانی در آمریکا دیده می‌شود. این اثر چنان پررنگ است که این احتمال را به ذهن متبادر می‌کند که شاید همو دو جزء مذکور یا دستکم اوراق معتناهایی از آنها را با خود به آمریکا برده باشد. حتی محتمل است که همو شیرازه این اجزاء را گسسته و اوراق آنها را متفرق کرده باشد. به دلیل سابقه دستکاریهای میناسیان در مینیاتورهای تک‌برگی که برای فروش عرضه می‌کرد، این احتمال بعید نیست. او سعی می‌کرد با افزودن تزئینات یا قطعات خوشنویسی به این مینیاتورها کیفیتشان را ارتقا بدهد و آنها را نفیس‌تر و در نتیجه گران‌قیمت‌تر کند (Gruber, 2019). به هر حال او در ۱۹۲۳ دو برگ از جزء هفتم را به موزه هنر ایندیاناپولیس (ایندیانا) بخشید (ش 23.31).^۲ دو سال بعد در ۱۹۲۵ دو برگ دیگر از همان جزء را به مؤسسه هنر دیترویت (میشیگان) فروخت (ش 25.73.A).^۳ یک سال بعد هم در ۱۹۲۶ دو برگ دیگر آن جزء را به موزه هنر متروپلیتن (نیویورک) هدیه کرد (ش 26.161.1).^۴ همچنین در همین دهه او دو برگ از جزء هفتم و چهار برگ از جزء بیست و نهم را به کتابخانه کنگره آمریکا فروخت.^۵

میناسیان اوراق قابل توجهی از این قرآن را نیز برای دخترش ادیرین به ارث گذاشت. ادیرین میناسیان^۶ (۱۹۱۳-۱۹۹۴) هم مانند پدرش متخصص آثار اسلامی و خاور نزدیک و دلال آثار هنری بود. او یک برگ از جزء بیست و نهم را در ۱۹۷۹ به رالف و کترین بنکیم^۷ فروخت که آنها نیز آن را در ۱۹۹۷ به گالری هنر فرییر و سکالر (ش S1997.92) بخشیدند.^۸ برگهای باقیمانده در تملک ادیرین میناسیان طبق وصیتش بین چند مجموعه در آمریکا تقسیم شد. بدین ترتیب بعد از مرگش یک

1. Kirkor Minassian

2. <https://collections.discovernewfields.org/art/artwork/9600> (consulted at 27.10.2024).

3. <https://dia.org/collection/qur-bi-folio-21> (consulted at 27.10.2024).

4. <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/447937> (consulted at 27.10.2024).

۵. از دکتر مهتد صالحی کتابدار بخش خاور نزدیک اداره آفریقا و خاورمیانه کتابخانه کنگره برای این اطلاع سپاسگزاریم.

6. Adrienne Minassian

7. Ralph and Catherine Benkaim

8. https://asia.si.edu/explore-art-culture/collections/search/edanmdm:fsg_S1997.92/ (consulted at 27.10.2024).

برگ از جزء هفتم قرآن در ۱۹۹۷ به موزه متروپلیتن نیویورک واگذار شد (ش 1997.299).^۱ در ۱۹۹۸ برگ دیگری دیگر به گالری هنر فریبیر و سکالر منتقل شد (ش S1998.7).^۲ چهار برگ دیگر (دو برگ از جزء هفتم و دو برگ از جزء بیست و نهم) نیز همراه با مجموعه متنوع و نفیسی شامل بیش از ۲۰۰ برگ قرآن به کتابخانه دانشگاه براون اهدا شدند. این برگه‌ها در ژانویه ۱۹۹۸ به آن کتابخانه منتقل شدند (ش 6554, 6557, 6595, 6598).^۳ به این ترتیب دستکم ۱۹ برگ از این قرآن در تملک این پدر و دختر بود که به مرور طی حدود هشتاد سال به موزه‌ها و کتابخانه‌های سرتاسر آمریکا منتقل شدند.

در ۱۹۲۷ پل جوزف ساکس (۱۸۷۸-۱۹۶۵)^۴ مدیر موزه فاگ دانشگاه هاروارد در ۱۹۱۵ تا ۱۹۴۵ و استاد گروه هنرهای زیبای هاروارد - دو برگ از جزء بیست و نهم را به موزه آرتور ام. سکالر هدیه کرد که اکنون در موزه‌های هنر هاروارد نگهداری می‌شود (ش 1927.161.1 و 1927.161.2).^۵ او دو برگ دیگر از پایان همین جزء را در تملک داشت که تا آخر عمر از آنها نگهداری کرد و سرانجام بعد از مرگش در سال ۱۹۶۵ طبق وصیت او به همان موزه منتقل شدند (ش 1965.499.1 و 1965.499.2).^۶ نمی‌دانیم که این اوراق به چه ترتیبی به دست ساکس رسیده است. احتمال دارد در این جا هم میناسیان فروشنده آنها بوده باشد. ساکس و میناسیان با هم ارتباط داشتند و نام میناسیان در اسناد و مدارک ساکس که اکنون در آرشیو موزه هنرهای هاروارد نگهداری می‌شود، ذکر شده است.^۷ بررسی این اسناد شاید به روشن شدن این موضوع کمک کند.

اطلاعات ما درباره سرگذشت اجزای کامل قرآن نیز چندان زیاد نیست و به دوران معاصر باز می‌گردد. چهار جزء موجود در کتابخانه چستریتی در ۱۹۳۸ به قیمت ۹۰ پوند در کتابفروشی برنارد کواریچ لندن برای فروش عرضه شد (Quaritch, 1938: 86, n. 257).^۸ آلفرد چستر

1. <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/453394> (consulted at 27.10.2024).

2. https://asia.si.edu/explore-art-culture/collections/search/edanmdm:fsg_S1998.7/ (consulted at 27.10.2024).

3. <https://repository.library.brown.edu/studio/item/bdr:6557/> (consulted at 27.10.2024).

4. Paul Joseph Sachs

5. <https://harvardartmuseums.org/collections/object/216643> (consulted at 27.10.2024).

<https://harvardartmuseums.org/collections/object/173551> (consulted at 27.10.2024).

6. <https://harvardartmuseums.org/collections/object/214452> (consulted at 27.10.2024).

<https://harvardartmuseums.org/collections/object/167927> (consulted at 27.10.2024).

7. <https://hollisarchives.lib.harvard.edu/repositories/9/resources/389> (consulted at 27.10.2024).

۸. با تشکر از الکساندر دی (Alexander Day) - متخصص کتابهای خاورمیانه در کتابفروشی کواریچ - برای تذکر این نکته و ارسال منابع مربوط به آن. هرچند او موفق نشد که در اسناد و مدارک کتابفروشی کواریچ نام عرضه‌کننده قرآن خیقانی به این کتابفروشی را پیدا کند.

بیتی^۱ (۱۸۷۵-۱۹۶۸) - بنیانگذار کتابخانه چستر بییتی - یکی از مهمترین مشتریان این کتابفروشی بود و کتابهای زیادی از آنجا خریداری کرده بود (Stanley, 1997: 159)؛ اما این نسخه را چندین سال بعد از نخستین معرفی اش خرید. اجزای قرآن خیقانی پس از معرفی در کاتالوگ کتابفروشی کواریچ، سالها بدون مشتری در انبار این کتابفروشی باقی ماند تا آنکه یک دهه بعد توجه ویلفرد مرتن^۲ به آنها جلب شد. به پیشنهاد او، ویلکینسن^۳ - کتابدار کتابخانه چستر بییتی - و آرت آربری این نسخه را بررسی کردند. ویلکینسن در ۸ دسامبر ۱۹۴۸م ضمن نامه‌ای به چستر بییتی اهمیت خرید این نسخه را به او یادآور شد. او مخصوصاً بر تاریخ نسخه تأکید کرد و نوشت که تاریخ این نسخه صد سال قدیمی‌تر از همه نسخه‌های تاریخ‌دار شناخته شده‌ای است که در ایران کتابت شده‌اند. ویلکینسن چند روز بعد را به بررسی بیشتر نسخه و مشورت درباره خرید آن گذراند، چون فکر می‌کرد این یک کشف بسیار غیرمعمول است و نتیجه این بررسیها را در نامه دوشم به تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۴۸م به چستر بییتی گزارش داد. او در این نامه یافته قبلی خود درباره نسخه را به صورتی دقیق‌تر تکرار کرد و نوشت این نسخه کهن‌ترین نمونه شناخته شده از زبان فارسی به خط عربی است. طبق این نامه، او برای بررسی ارزش و اصالت نسخه با آربری، دکتر بیستن^۴ از کتابخانه بادلیان، دکتر رایس^۵ از مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن، ویلفرد مرتون، و آبراهام شالوم یهودا (۱۸۷۷-۱۹۵۱) - خاورشناس و مجموعه‌دار و دلال نسخه‌های خطی اسلامی - مشورت کرد که نظر همه آنها برای خرید نسخه با مبلغ ۹۰ پوند مثبت بود. در این فاصله نظر یهودا تغییر کرد و او در اصالت یادداشت تاریخ‌دار پایان نسخه شک کرد. یهودا در نامه‌ای به چستر بییتی مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸م تردید خود را با او در میان گذاشت و یادآوری کرد با اینکه پیشتر خودش خرید بخش دیگری از همین قرآن را به او پیشنهاد کرده بوده^۶ اما الان بر این نظر است که یادداشت تاریخ‌دار پایان نسخه به خط جدیدتری است و تاریخ کتابت نسخه کهن‌تر از قرن دوازدهم میلادی/ پنجم هجری نیست. اما نامه

تصویر یک صفحه از قرآن خیقانی برای نخستین بار در این کاتالوگ منتشر شد. در آنجا یادداشت خیقانی با یک اشتباه عجیب نقل شده است: نویسنده کاتالوگ کلمه «مصحف» را «مسجد» خوانده و گمان کرده که یادداشت خیقانی درباره تعمیر یک مسجد در ایران در سال ۲۹۲ق بوده است.

1. Sir Alfred Chester Beatty
2. Wilfred Merton
3. J.V.S. Wilkinson
4. Beeston
5. D.S. Rice

۶. احتمالاً همان بخشی که اکنون در کتابخانه ملی اسرائیل نگهداری می‌شود. ن.ک. ادامه مقاله.

۱۱ ژانویه ۱۹۴۹م ویکینسن نشان می‌دهد که نامه یهودا در تصمیم چستر بیٹی برای خرید نسخه تأثیری نداشت. او در این نامه از چستر بیٹی تشکر می‌کند که دستور پرداخت مبلغ خرید نسخه را صادر کرده است. ویکینسن همچنین می‌نویسد که نامه یهودا چیزی را تغییر نمی‌دهد زیرا اولاً او خودش می‌خواهد قرآن را بخرد و ثانیاً آربری، رایس و بیستن همگی متقاعد شده‌اند که یهودا اشتباه می‌کند و حتی اگر این یادداشت درست نباشد، باز هم نسخه ارزش بهای پرداختی را دارد. به این ترتیب در ژانویه ۱۹۴۹م چستر بیٹی این نسخه را برای کتابخانه خود خرید.^۱

جزء پانزدهم در مجموعه آبراهام شالوم یهودا بود. او از دهه بیست میلادی تا پایان عمر به گردآوری و خرید و فروش نسخه‌های خطی در خاورمیانه و آفریقای شمالی و اروپا پرداخت. بخش زیادی از مجموعه نسخه‌های خطی یهودا در زمان حیاتش به کتابخانه‌ها و مجموعه‌های مشهور غربی از جمله موزه بریتانیا، دانشگاه میشیگان، دانشگاه پرینستون و کتابخانه ملی پزشکی واشنگتن منتقل شد. باقیمانده مجموعه او شامل ۱۱۸۶ نسخه خطی طبق وصیتش در سال ۱۹۶۷ به کتابخانه ملی اسرائیل واگذار شد (Wust 2020: 11) که جزء پانزدهم قرآن خیقانی یکی از آنها بود. متأسفانه نمی‌دانیم یهودا قرآن خیقانی را در چه زمانی و از چه کسی خریده بود؛ اما او پیش از سال ۱۹۴۸ این نسخه را به دست آورده بود. همان طور که گذشت، او در نامه به چستر بیٹی یادآوری کرده بود که قبلاً این نسخه را برای فروش به او عرضه کرده بود.

تاریخ قرآن خیقانی

از شصت سال پیش تا کنون، قرآن خیقانی، به دلیل انجامه‌هایش و نیز تاریخ درج شده در (بعضی از) اجزایش، توجه نسخه‌شناسان قرآن و پژوهشگران تاریخ کتابت قرآن و خط‌شناسی قرآنی را به خود جلب کرده است. نخستین بار آرتر آربری در مقاله‌ای اجزای محفوظ در کتابخانه چستر بیٹی را معرفی کرد و قرآن خیقانی را به عنوان یکی از قدیم‌ترین دست‌نوشته‌های تاریخ‌دار به سبکی از قرآن‌نویسی شناسایی کرد که دیگران پیشتر با نام‌هایی چون «نیم‌کوفی»^۲، «کوفی منحنی»^۳ یا «کوفی شکسته»^۴ آن

۱. با تشکر از دکتر مویا کری (Moya Carey) متصدی بخش اسلامی کتابخانه چستر بیٹی که اطلاعات مربوط به خرید این نسخه را بر اساس اسناد موجود در آن کتابخانه در اختیار ما گذاشت.

2. semi-Kufic
3. bent Kufic
4. broken Kufic

را از سبک کوفی اولیه متمایز کرده بودند.^۱ آربری این قرآن و قرآن‌های کتابت‌شده با خط مشابه را ذیل عنوان «کوفی ایرانی» گنجانده. او در این مقاله ضمن بررسی اجزای مذکور، متن کامل همه انجامه‌ها را نقل و همچنین تصویرانجامه جزء سوم را منتشر کرد (Arberry, 1964: 10-15). او چند سال بعد گزارش کوتاهی از مطالب این مقاله خود را در فهرست قرآنهای کتابخانه چستر بییتی نقل کرد (Arberry, 1976: xviii, also 10). انتشار مقاله آربری در مجله‌ای دشواریاب و البته تکرار نکردن عمده آن مطالب در فهرست قرآنهای کتابخانه چستر بییتی سبب شد که مطالب آن مقاله مغفول بماند و محققان بعدی تنها به یادداشت کوتاه او در فهرست مذکور توجه کنند. به دنبال او، دیوید جیمز نیز ضمن معرفی قرآن‌های نوشته‌شده به خط «کوفی شرقی» در مجموعه چستر بییتی از قرآن خیقانی به عنوان یکی از کهن‌ترین قرآن‌های تاریخ‌دار یاد کرد (James, 1980: 25, also 26). فرانسوا دروش، که از کاربرد اصطلاح «کوفی» برای خطوط دست‌نوشته‌های کهن قرآن پرهیز داشت، در طبقه‌بندی خود از سبک‌های نگارشی دست‌نوشته‌های قرآنی در سده‌های نخستین اسلامی در فهرست دست‌نوشته‌های قرآنی، که در کتابخانه ملی فرانسه و مجموعه خلیلی نگهداری می‌شوند، قرآن خیقانی را در گروه «سبک (عباسی) نوین»^۲ قرار داد و آن را کهن‌ترین نمونه به دست‌آمده از این دسته معرفی کرد (Déroche, 1983b: 51; 1992: 134, and 186, note 12).^۳ مرجع دروش برای تاریخ قرآن خیقانی در همه این موارد فهرست‌های آربری و جیمز بود.

برخلاف گروه قبل که خط کوفی شرقی (یا سبک نوین در طبقه‌بندی دروش) را صورت گسترش‌یافته کوفی کهن (یا سبک عباسی نخستین نزد دروش) در خط‌شناسی قرآنی می‌دانستند، استل ولن این سبک خط را برگرفته از «عربی تحریری»^۴ یا «خط کتابی»^۵ متداول میان کاتبان دیوانی می‌دانست که در کتابت قرآنی هم به کار گرفته شد و به مرور قالبی زاویه‌دار و موزون یافت که عموماً به «کوفی شکسته» یا «کوفی شرقی» شناخته می‌شود، گرچه او اصطلاح «تحریری شکسته»^۶ را ترجیح می‌داد.^۷ با اینکه ولن سخن آربری درباره تاریخ قرآن خیقانی را

۱. برای گزارشی درباره نام‌های مختلفی که بر این خط گذاشته شده و دلایل اقامه‌شده برای هر یک، رک. Lings and Safadi, 1976: 32; Sourdel-Thomine, 1978: 1122; Déroche, 1992: 132; Blair, 2006: 143-145.

2. New Style

۳. دروش جاهای دیگر نیز همین مطلب را تکرار کرده است؛ برای نمونه: Déroche, 2003: 262-263; 2016: 73, fig. 10.

4. cursive Arabic

5. book script

6. broken cursive

۷. ن.ک. Whelan, 1990a: 51; 1990b: 130 note 59; unpublished, note 60. نام «تحریری شکسته» (cursive brisée) را

پذیرفت، در اینکه این قرآن قدیم‌ترین نمونه «کوفی شکسته» باشد با او مخالفت کرد، چون به نظر او خط «تحریری»^۱ این قرآن با سبک «کوفی شکسته» تفاوت‌های اساسی دارد (Whelan, 1990b: 134 note 96).^۲ شیلا بلر استدلال ولن درباره‌ی خاستگاه سبک «کوفی شکسته/تحریری شکسته» را تکرار کرد. او با مقایسه‌ی ویژگی‌های شاخص خط این قرآن با مشخصات خط کتابی یا به اصطلاح او «خط مدور»^۳ که در دست‌نوشته‌های غیرقرآنی به‌کاررفته است این طور نتیجه گرفت که این قرآن به خط مدور (یا کتابی) نوشته شده نه به سبک نوپدید «تحریری شکسته» که کاتبان با تغییر خط مدور برای قرآن‌نویسی ابداع کردند (Blair, 2006: 147-151). او با استناد به تاریخ ۲۹۲ در انجامة قرآن خیقانی، آن را کهن‌ترین نمونه بازمانه از کاربرد خط مدور برای کتابت قرآن برشمرد. از نقل دقیق یادداشت فارسی انتهای جزوه CBL Is 1417D پیداست که بلر خود انجامة را دیده و به نقل از فهرست آربری بسنده نکرده بوده، به‌ویژه که برخلاف آربری (و به تبع او، جیمز)، نام مصحح دست‌نوشته را همان طور که در یادداشت آمده احمد بن ابوالقاسم الخیقانی ثبت کرده است (همان، ۱۴۸-۱۴۷). بلر با استناد به همین یادداشت فارسی، قرآن خیقانی را با سرزمین‌های شرق جهان اسلام پیوند داد^۴ و تاریخ آن را حد پایانی برای ساختن این دست‌نوشته دانست (Blair, 2006: 147-148 and Figure 5.2). همو چند سال بعد در مقاله‌ی مشترکی با جاناتان بلوم ضمن معرفی دو برگ دیگر از این قرآن در موزه هنرهای زیبای بوستن بر این مطلب تأکید کرد که این قرآن کلید اساسی برای تاریخ تحول خط مصاحف از کوفی زاویه‌دار به خط مدور است (Blair and Bloom, 2017: 12).^۵

گرچه محققان پیش‌گفته درباره‌ی خاستگاه و نام سبک خط به کار رفته در قرآن خیقانی اتفاق نظر ندارند، همگی در این نکته هم‌نظرند که این قرآن در نوع خود کهن‌ترین نمونه یا از کهن‌ترین نمونه‌های این سبک است. در واقع، چندین دهه است که به قرآن خیقانی چونان

در اصل دروش برای این سبک متمایز وضع کرده بود؛ ر.ک. Déroche, 1983a: 182. اما همو بعدها به دلیل اشکالاتی که متوجه این اصطلاح بود، آن را کنار گذاشت؛ ن.ک. Déroche, 1992: 132.

1. cursive

۲. یاسر طنباع با ولن هم عقیده بود که خط این قرآن بیشتر شبیه خط تحریری دست‌نوشته‌های غیرقرآنی است و به همین دلیل آن را از تحلیل تاریخی سبک قرآن‌نویسی «نیم‌کوفی» (یا «کوفی شکسته» و «تحریری شکسته» در اصطلاح ولن) کنار گذاشت. ن.ک. Tabbaa, 1991: 124-125.

3. round script

۴. جای دیگر بلر و بلوم در مقاله‌ی مشترک خاستگاه پیدایش «خط مدور» را «ایران یا در نزدیکی عراق، مرکز خلافت عباسی» دانسته‌اند. ن.ک. Blair and Bloom, 2004: 125.

۵. این دو همین مطلب را دوباره درباره‌ی قرآن خیقانی تکرار کرده‌اند. ن.ک. Blair and Bloom, 2020: 202.

«معیار» برای تعیین خاستگاه و تاریخ‌گذاری این سبک قرآن‌نویسی و تطور خطوط مصاحف قرآن استناد می‌شود.^۱

باربازا برند از منظری دیگر به این نسخه توجه کرده است. به نظر او جلد قرآن خیقانی (نسخه‌های چستر بییتی) کهن‌ترین نمونه از جلد‌های ایرانی است که می‌توانیم آن را تاریخ‌گذاری کنیم (Brend, 1989: 234). این نکته در منابع دیگر نیز نقل شده است (پوروش، ۱۳۸۹: ۳۳۹).

افرائیم ووست در مدخل مربوط به دست‌نوشت Yah. Ar. 966 در جلد دوم فهرست دست‌نوشت‌های عربی، فارسی و ترکی مجموعه یهودا در کتابخانه ملی اسرائیل وجهی دیگر از اهمیت تاریخی این قرآن را برجسته کرد. او یادآور شد که تاریخ کهن‌ترین شواهد متنی برای نگارش «فارسی نو» به خط عربی به قرن پنجم بازمی‌گردد. از آنجا که انجامه تاریخ‌دار این قرآن به فارسی نوشته شده این بدان معناست که «این [دست‌نوشت] کهن‌ترین شاهد برای نگارش فارسی نو به خط عربی است» (Wust, 2020: 486).^۲ مرتضی کریمی‌نیا (۱۳۹۶: ۱۳-۱۴) با تکرار همین ملاحظه ووست نوشته است: «از آنجا که وی (خیقانی) در اغلب [کذا] نسخه‌ها، تاریخ ۲۹۲ هجری را ذکر کرده است، اکنون می‌توان با اطمینان گفت که به کهن‌ترین دست‌نوشت‌های تاریخ‌دار در زبان فارسی دست یافته‌ایم، و این ما را دست‌کم یکصد و پنجاه سال پیش‌تر از تاریخ‌های شناخته شده قبلی می‌برد».

ملاحظات درباره انجامه‌های قرآن خیقانی

آربری، همان کسی که نخستین بار این قرآن را معرفی کرد، در اصالت یکی از انجامه‌های منتسب به خیقانی تشکیک کرده بود. در حالی که او انجامه‌های اجزای سوم و پنجم را اصیل می‌دانست، معتقد بود انجامه جزء نوزدهم به دلایل زیر احتمالاً جعلی است: ۱. در تاریخ انجامه اشتباهات نحوی هست؛ ۲. کلمه «السلام» با الف ضبط شده در حالی که انتظار می‌رود در آن زمان این

۱. در کتابی که اخیراً درباره «سبک‌شناسی کوفی شرقی» منتشر شده، مؤلف با مفروض گرفتن اصالت تاریخ تصحیح این قرآن به سال ۲۹۲، آن را نقطه آغازین سبک کوفی شرقی در نظر گرفته و در سراسر کتاب بارها به این قرآن و تاریخ آن استناد کرده است. ن.ک. صحراگرد، ۱۳۹۹، جاهای مختلف، ذیل عنوان ابوالقاسم (کذا) خیقانی.

۲. این مطلب پیشتر در فهرست برخط کتابخانه ملی اسرائیل ذیل «الجزء ال ۱۵ من ربعة شریفه» منتشر شده بود؛ [https://www.nli.org.il/en/manuscripts/NNL_ALEPH990033739790205171/NLI#\\$FL184476744](https://www.nli.org.il/en/manuscripts/NNL_ALEPH990033739790205171/NLI#$FL184476744).

نیز ن.ک. کریمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۴، پانویس ۱.

کلمه به صورت «السلم» ضبط شده باشد؛ ۳. در انجامه‌های دو جزء دیگر زیر حروف «د» و «ر» برای تمایزشان از حروف مشابه یک نقطه گذاشته شده در حالی که انجامه جزء نوزدهم فاقد این ویژگی است (Arberry, 1964: 14-15). پس از او، الن جورج تنها کسی است که در اصالت تاریخ مذکور در انجامه تشکیک کرد. او که خود پیشتر در کتاب پیدایش خوشنویسی اسلامی (George, 2010: 119-120) نظرگاه غالب را دنبال کرده بود، پس از مشاهده اصل دست‌نوشته‌ها و انجامه آنها نظرش را تغییر داد. او به چند دلیل از جمله متفاوت بودن مرکب یادداشت‌ها با متن اصلی قرآن، وجود اغلاط نحوی عربی در آنها، و برخی ویژگی‌ها در خط این یادداشت‌ها، به طور مشخص انحنای انتهای حرف «ر» که نظیر آن تنها در دوره‌های متأخر یافت می‌شود، ترجیح داد که به این یادداشت درباره تاریخ و خاستگاه دست‌نوشته تکیه نکند. در عین حال، او تأکید کرد که ویژگی‌های موجود در متن قرآنی این مصحف را می‌توان در قرآن‌های کتابت‌شده در قرن چهارم یافت (George, 2015a: 22).

نگاه دقیق‌تر به انجامه‌های مصحف خیقانی نکاتی را آشکار می‌سازد که تردیدهای اولیه آبربی و جورج را تقویت می‌کند؛ و شگفت‌آور اینکه این نکات از چشم سایر محققان پنهان مانده‌اند. در ادامه ملاحظات کلی درباره انجامه‌های این مصحف می‌آید و سپس یک به یک انجامه‌ها بررسی و تحلیل می‌شود.

جدول سه. انجامه‌های قرآن خیقانی

جزء	شماره ثبتی	برگه	انجامه
اول	Sotheby's, I May 2019, lot 1 (احتمالاً مجموعه دار آلمانی)	مفقود	نامعلوم
سوم	CBL Is 1417A	۴۷ پشت	این جامع در پست بگرد احمد بن ابی القیم الخیقانی حفظه الله في كنفه وذلك في شهر الله المبارك سنة اثني وتسعين ومائتين
پنجم	CBL Is 1417B	۴۶ رو	این جامع را در پست بگردم وكتب الخیقانی بخطه
نهم	CBL Is 1417C	مفقود	نامعلوم
دهم	CBL Is 1417C	۴۷ پشت	ندارد
پانزدهم	NLI Yah. Ar. 966	۵۰ پشت	این جزء پی باره جمله در پست بگرد بعجم ونقط

جزء	شماره ثبتی	برگه	انجامه
			و تشدید احمد خیقانی نصره الله فی الدین بمنه سنه اثنی و تسعین و اثنی ماهه
نوزدهم	CBL Is 1417D	۴۶ پشت	این جامع را درپست بکرد احمد بن ابو القسیم الخیقانی و ذلك فی الشعبان سنه اثنی و تسعین و اثنی ماهه غفر الله له و لجمیع امه محمد علیه السلام
بیست و سوم	Sarikhani Collection, I.MS.1032	نامعلوم	ندارد (؟) ^۱
بیست و نهم	HAM 1965.499.1	پشت	اس جامع بعجم درپست کرد احمد بن ابی القسیم الخیقانی

متن انجامه‌ها شامل یادداشتی به زبان فارسی و عربی است که از دو بخش تشکیل شده: بخش نخست، گواهی نام مصحح دست‌نویست/نویسنده یادداشت (که در هر پنج انجامه دیده می‌شود) و بخش دوم اشاره به تاریخ تصحیح دست‌نویست/درج یادداشت (که فقط در سه انجامه آمده است). در عبارت پردازی یادداشت‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دیده می‌شود که در جدول‌های زیر به تفکیک مشخص شده‌اند:

جدول چهار. مقایسه عبارت پردازی انجامه‌ها

1965.499.1	Is 1417B	Is 1417D	Is 1417A	Yah. Ar. 966	نم مصحح و کاری که روی دست‌نویست انجام داده
اس جامع بعجم درپست کرد	این جامع را درپست بکردم و کتب	این جامع را درپست بکرد احمد بن ابوالقسیم الخیقانی	این جامع درپست بکرد احمد بن ابی القسیم الخیقانی حفظه الله فی کفنه	این جزء پی باره جمله درپست بکرد بعجم و نقطه و تشدید احمد خیقانی نصره الله فی الدین بمنه	

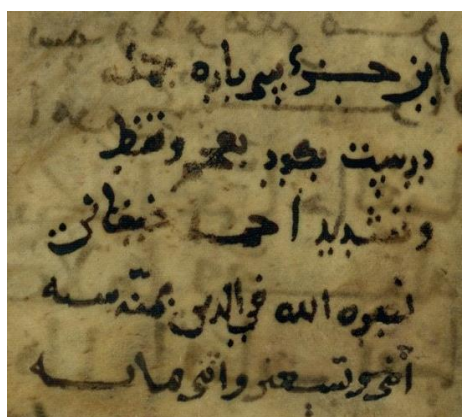
۱. دستکم در فهرست منتشرشده نمایشگاه آثار مجموعه ساریخانی که سال ۲۰۲۱ در موزه هنر اسلامی برلین برگزار شد در مدخل مربوط به این جزء توضیحی در این باره نیامده است (Franke, 2021: 184).

1965.499.1	Is 1417B	Is 1417D	Is 1417A	Yah. Ar. 966	خط نقشه دست نقشه
		وَذَكَ فِ	وَذَكَ فِ		
		الشعبان	شهر الله المبارك		
		سنه اثني وتسعين واثني ماهه غفر الله له و لجميع امه محمد عليه السلام	سنه اثني وتسعين وما تين	سنه اثني وتسعين واثني ماهه	

یک. بررسی دقیق تر را با انجامه جزء پانزدهم این مصحف (NLI Yah. Ar. 966) که پشت برگه ۵۰ به فارسی و عربی آمده آغاز می‌کنیم. از نظر سبک خط و رنگ جوهر، این یادداشت را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش نخست که در چهار سطر نوشته شده از این قرار است: «این جزء پی باره جمله | درپست بگرد بعجم ونقط | و تشدید احمد خیقانی | نصره الله فی الدین بمنه». نویسنده یادداشت تلاش کرده این چهار سطر را در یک قاب مربع شکل قرار دهد گرچه بخش پایانی نام خیقانی از این قاب بیرون افتاده که در کتابت انجامه‌ها رویه‌ای معمول است. در این بخش، ویژگی‌های خط از شکل حروف تا سبک نقطه‌گذاری همگی اصیل به نظر می‌رسند، به‌ویژه وقتی شیوه نقطه‌گذاری‌های متن قرآنی با یادداشت مقایسه شود. رنگ جوهر یادداشت به سیاهی می‌زند که ظاهراً با جوهر متن قرآنی متفاوت است. چنانکه در آغاز نوشتار آمد، متن قرآنی در اصل با جوهر قهوه‌ای پررنگ نوشته شده بوده که به مرور زمان به قهوه‌ای تغییر رنگ داده، و همچون دیگر قرآن‌های کهن، بعضی (و نه لزوماً همه) حروف آن نقطه‌گذاری شده‌اند. با اندکی دقت می‌توان دریافت که نقاطی با رنگ مشکی شبیه به رنگ یادداشت و متفاوت با رنگ اصلی متن قرآنی به حروفی که در نقطه‌گذاری اولیه دست‌نویست بی‌نقطه رها شده بودند افزوده شده است. تکرار این نکته خالی از فایده نیست که این نقطه‌گذاری تکمیلی برای تمایز حروف مشابه و به طور حداکثری، حتی برای جفت حروفی که به طور معمول یکی از آنها بی‌نقطه رها می‌شوند («ب/ذ»، «ر/ز»، «س/ش»، «ص/ض»، «ط/ظ») انجام شده است. همین سبک نقطه‌گذاری حداکثری در یادداشت خیقانی هم دیده می‌شود. همچنین اعراب‌گذاری متن قرآنی همانند دیگر نسخه‌های کهن قرآنی در اصل با نقاط قرمز رنگ انجام شده بوده و بعداً دوباره با علائم موسوم به خلیل به صورت حداکثری حرکت‌گذاری شده است. شباهت بین رنگ جوهر یادداشت و این حرکت‌گذاری دوباره نیز مشهود است.^۱

۱. این برداشت اولیه صرفاً مبتنی بر مشاهده تصاویر دست‌نویست است. روشن است که با تحلیل آزمایشگاهی جوهر متن اصلی قرآن و نقطه‌ها و حرکات افزوده شده و مقایسه آن با جوهر یادداشت می‌توان درستی آن را سنجید.

در بخش دوم یادداشت هم تفاوت‌های روشنی در رنگ مرکب، اندازه قلم و سبک خط دیده می‌شود: «سنه | اثنی وتیسعین واثنی ماهه». سبک نقطه‌گذاری حروف در این بخش کاملاً با بخش آغازین یادداشت متفاوت است: حرف «س» نقطه ندارد، نقطه‌های «ث» شکل مثلث وارونه گرفته، نقطه‌های بالای «ت» متصلند و نقطه‌های «ی» متصل و به طور عمودی زیر «س» قرار گرفته‌اند. می‌توان این احتمال را هم داد که دو نقطه زیر «س» در «وتیسعین» تلاشی، هرچند نافرمام، برای مشابهت‌سازی با نقطه‌گذاری «س» در بخش نخست یادداشت (پی و دبرپست) و در سراسر متن قرآنی بوده است. بعضی از این ویژگی‌ها مشخصه‌های خط نسخ در دوره‌های بعدی‌اند و در این دست‌نویست و دست‌نویست‌های مشابه از سده‌های سوم و چهارم هجری نظیری ندارند. به علاوه، شکل دندان‌ها و کشیدگی‌های حرف سین، نازک‌شدگی محل اتصال‌های افقی و عمودی دندان‌ها، مثلاً در «وتیسعین» و «ماهه»، و کلفتی انتهای حروف زیر کرسی («ی»، «و»، «ن») به سبب عدم ارسال در کتابت با بخش نخست یادداشت همخوان نیست. سرآخر، اما به همان درجه از اهمیت، خطای نحوی در تاریخ درج شده در یادداشت است، که از قضا غرض اصلی از بخش افزوده هم همین درج تاریخ بوده است. ترکیب «اثنی ماهه» به جای



تصویر یک. NLI Yah. Ar. 966، برگه ۵۰ پست، انجامة

«مائتین» حاکی از سستی دانش عربی نویسنده است.^۱ اینها همگی شواهدی بر الحاقی بودن بخش دوم انجامه است که متن یادداشت را از ترکیب اصلی خود هم خارج کرده است (مقایسه کنید با سطر آخر انجامه جزء سوم، CBL Is 1417A، در ادامه مقاله). احتمالاً کشیدگی دندان «ماهه» در پایان سطر پنجم تلاشی برای جبران این ناسازگاری بوده گرچه توفیق چندانی نداشته است (ن.ک. تصویر یک).

۱. در دست‌نویست‌های کهن عربی ترکیب «اثنی وتیسعین» هم نادر است. در انجامه کهن‌ترین مکتوب عربی غیرقرآنی، یعنی غریب الحدیث اثر ابوعبید القاسم بن سلام البغدادی (م. ۲۲۴)، تاریخ «سنه [اثنتین وخمسین ومائین» درج شده است؛ Ms. Leiden, Or. 298, fol. 241b. برای تصاویر دست‌نویست، ر.ک. <https://digitalcollections.universiteitleiden.nl/view/item/2000455>. نیز ر.ک. Witkam, 2007. اما ظاهراً کاربرد «اثنی» به جای «اثنتین» برای رقم یکان سال دستکم در منطقه شرق جهان اسلام رایج بوده است؛ چنانکه در سکه نقره‌ای که به نام نوح بن نصر به سال ۳۴۲ در بخارا ضرب شده، عبارت «سنه اثنی واربعمین و ثلثمائة» آمده است. ر.ک. پایگاه اطلاع‌رسانی موزه هنر متروپولیتن (نیویورک)، «سکه به تاریخ ۳۴۲»، <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/457192>

بخش اصیل انجامه جزء پانزدهم جزئیاتی از کاری که خیقانی روی این مصحف انجام داده نیز به دست می‌دهد: یعنی «درست کردن این جزء سی پاره به عجم و نقط و تشدید». نویسنده یادداشت در آغاز از تعبیر «سی پاره» استفاده کرده که روشن می‌کند این مصحف («جامع»، چنان که در دیگر انجامه‌ها آمده) مشتمل بر سی جزء قرآن بوده و هر جزوه یک جزء از قرآن را در بر داشته است. در این یادداشت، همچنین تصریح شده که خیقانی این جزء از قرآن سی جزئی را «درست» کرده است. «درست کردن» می‌تواند هم به معنای «ساختن و پرداختن» دست‌نویست باشد هم به معنای «اصلاح ناراستی‌ها و کاستی‌های» آن (ر.ک. دهخدا، ج ۷، ذیل «درست کردن»). آربری (10: 1976) پیشتر تعبیر «درست کردن» که در انجامه جزئی دیگر از قرآن خیقانی (CBL Is 1417A) آمده را به معنای اصلاح/تصحیح دست‌نویست گرفته بود و دیگران (James, 1980: 26؛ Déroche, 1992: 134؛ Blair, 2006: 148 and Figure 5.2) نیز از او تبعیت کرده بودند. حال، با توجه به سه قید «عجم»، «نقط» و «تشدید»، که نویسنده یادداشت جزء پانزدهم در پایان عبارتش افزوده، می‌توان تصویر روشن‌تری از کار خیقانی به دست داد. با در نظر گرفتن معنای اصطلاحی این الفاظ در دانش نسخه‌شناسی قرآنی که بر «نقطه‌گذاری حروف» (اعجام) و «حرکت‌گذاری کلمات» (نقط/ضبط) دلالت دارند، می‌توان چنین استنتاج کرد که «درست کردن» در یادداشت پایانی جزء پانزدهم به معنای اصلاح، رفع نقص یا تکمیل نقطه‌ها و حرکات متن قرآنی برای تسهیل خوانش «درست» متن به کار رفته است و احمد خیقانی که نامش در یادداشت پایانی آمده این جزء قرآنی (و به احتمال زیاد، دیگر اجزای آن) را نقطه‌گذاری و حرکت‌گذاری کرده است.

غیر از نقطه‌گذاری و حرکت‌گذاری کلمات قرآن در این جزء (و دیگر اجزای قرآن خیقانی، اینجا و آنجا که متن قرآنی در اثر مرور زمان کمرنگ شده بوده، ظاهراً با همان جوهر مشکی‌رنگی که در نگارش یادداشت استفاده شده، پررنگ شده است. با همین جوهر گاه املای برخی کلمات نیز دستکاری یا اصلاح شده است (برای نمونه، برگه ۹ پشت: تروجه‌ها - < ترجمه‌ها؛ برگه ۳۱ پشت، آخرین سطر که الف زائد با جوهر مشکی خط خورده). در این صورت، می‌توان بین کتابت اولیه نسخه و این اصلاحات فاصله زمانی (نسبتاً طولانی تصور کرد، چراکه آن قدر زمان گذشته بوده که جوهر اصلی رنگ باخته و نیاز بوده با جوهر تازه پررنگ شود.^۱ بر فرض درستی این

۱. ووست فاصله زمانی بین کتابت اولیه دست‌نویست و اصلاح خیقانی را پنجاه سال تخمین زده است (Wust 2020: 485-486). در اینکه جوهر متن دست‌نویست در این فاصله زمانی اندک رنگ و رو باخته باشد تردید است. البته پیشنهاد محتاطانه ووست دلیل دیگری دارد. چون او تاریخ ۲۹۲ را برای اصلاح خیقانی مفروض گرفته، تصور اینکه دست‌نویست در

ملاحظه - که صرفاً متکی بر مشاهده تصاویر دست‌نویست بوده و به احتمال زیاد با آزمایش جوهر می‌توان آن را راستی‌آزمایی کرد - می‌توان احتمال داد که نویسنده یادداشت در زمانی متأخر از کتابت اولیه قرآن سی جزئی کمرنگ‌شدگی‌ها در متن قرآنی را با جوهر تازه رفع و گاه املای کلمات را تصحیح کرده است. البته در انجامه سخنی از این نوع اصلاح/ترمیم دست‌نویست نیست که ممکن است به این دلیل باشد که اصطلاح «درست کردن» این نوع اصلاح‌ها را که اینجا و آنجا روی متن قرآنی اعمال شده نیز در برمی‌گیرد و نویسنده دلیلی ندیده در یادداشت پایانی به این جزئیات هم اشاره کند. این احتمال را هم می‌توان در نظر گرفت که نویسنده یادداشت نه خود احمد خیقانی که فرد دیگری بوده که صرفاً کاری را که احمد خیقانی روی دست‌نویست انجام داده بوده وصف کرده نه اصلاحاتی را که خودش روی متن اعمال کرده بود. احتمال اخیر با در نظر گرفتن محتوای دیگر انجامه‌ها، چنانکه در ادامه خواهیم دید، تضعیف می‌شود.

علاوه بر این، متن قرآنی نیز در صفحات متعددی از دست‌نویست اصلاح شده است، از جمله در دو صفحه پایانی همین جزوه که دو سطر پایانی از برگه ۴۹ پشت و دو سطر آغازین برگه ۵۰ رو امحا و با آیات ۷۲ و ۷۳ سوره الکهف بازنویسی و آیه ۷۴ نیز در شش سطر باقیمانده برگه ۵۰ رو درج شده است. دلیل این اصلاح هم به احتمال زیاد خطای کاتب اصلی بوده که هنگام نگارش آیات پایانی از جزء پانزدهم قرآن به دلیل مشابهت آیات ۷۲ و ۷۵ سوره الکهف، سه آیه ۷۲ تا ۷۴ را از قلم انداخته بوده؛ البته این سنخ خطای در کتابت اتفاق نادری نیست. جالب اینکه زیر برگه ۵۰ رو سه بار کلمه «صح» تکرار شده که شاهدی بر بازنگری و اصلاح متن است. تکرار کلمه «صح» در حاشیه یکی دیگر از برگه‌ها (برگه ۲۴ رو) نشان می‌دهد که احتمالاً فردی این دست‌نویست را از آغاز تا پایان بازخوانی و خطاهای کاتب اول را تصحیح کرده است. دستخط متن بازنویسی شده و نیز سطرهای افزوده به روشنی با دستخط کاتب اصلی متفاوت است^۱ و

اصل یک یا دو قرن پیش از این تاریخ کتابت شده باشد برایش منطقی نبوده است. تفصیل بیشتر در این باره در ادامه خواهد آمد.

۱. برای نمونه ن. ک. برگه ۵ پشت، سطر درج‌شده بین سطرهای دوم و سوم همراه با اصلاح کلمه‌های پایانی و آغازین این دو سطر؛ برگه ۷ پشت، کلمه افزوده در حاشیه سمت راست سطر سوم؛ برگه ۱۲ رو، کلمه افزوده در حاشیه سمت چپ سطر چهارم؛ برگه ۱۶ پشت، بازنویسی سطر سوم؛ برگه ۱۹ پشت، کلمه افزوده بین دو سطر پنجم و ششم؛ برگه ۲۶ پشت، کلمه افزوده در حاشیه سمت راست سطر آخر؛ برگه ۲۸ پشت، خط خوردگی کلمه‌ای از سطر سوم و کلمه افزوده بین دو سطر دوم و سوم؛ برگه ۳۶ پشت، بازنویسی سطر سوم و سطر افزوده شده زیر صفحه؛ برگه ۳۷ رو، بازنویسی سطرهای دوم و سوم؛ برگه‌های ۴۲ پشت و ۴۳ رو، سطرهای افزوده شده به ترتیب زیر و بالای هر صفحه؛ برگه ۴۴ پشت، بازنویسی سه سطر آخر و یک سطر افزوده زیر آنها؛ برگه ۴۵ رو، کلمه‌های افزوده شده بین سطرهای چهارم، پنجم و ششم. از قضا در مورد اخیر، مصحح خود به خطا افتاده و کلمه افزوده را ابتدا در جای نادرست درج و دوباره خطایش را اصلاح کرده است.

معلوم می‌شود که این اصلاحات بعد از کتابت اولیه جزء صورت گرفته است. نکته جالب توجه این است که متون اصلاح یا بازنویسی شده فاقد نقطه‌های قرمز رنگ اعراب‌گذاری اند. بنابراین، به احتمال زیاد بازنگری متن با فاصله زمانی از کتابت اولیه جزء/مصحف و پس از اتمام نقطه‌گذاری (درج دایره‌های رنگی به عنوان علائم اعراب) انجام شده است. آنچه مؤید این احتمال است درج کامل برگه‌های ۱۷، ۲۹ و ۳۹ در میان برگه‌های دست‌نوشته است که به روشنی از مفقود شدن برگه‌های اصلی (و نه از قلم‌افتادگی متن حین کتابت اولیه) حکایت دارد.^۱ رنگ جوهر استفاده شده برای اصلاحات متنی قهوه‌ای است اما نه به رنگ جوهر متن قرآنی شباهت دارد نه یادداشت پایانی. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این بازنگری پس از نگارش اولیه دست‌نوشته و پیش از نقطه‌گذاری و حرکت‌گذاری حداکثری خیقانی صورت گرفته است چنانکه نقطه‌ها، حرکات و رونویسی با جوهر مشکی روی این متون و برگه‌های بازنویسی شده یا افزوده نیز دیده می‌شوند.

این ملاحظه‌ها صرفاً مبتنی بر مشاهده تفاوت رنگ جوهر متن اصلی با رنگ جوهر به‌کاررفته برای اصلاحات و رنگ جوهر یادداشت در تصاویر دست‌نوشته هستند و چنانچه درست باشند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در دست‌نوشته قرآنی سه نوع تصحیح، تکمیل و ترمیم اعمال شده است: رفع از قلم افتادگی‌ها و خطاهای متن قرآنی و جایگزینی برگه‌های مفقود که ظاهراً پس از اتمام کتابت اولیه دست‌نوشته و نقطه‌گذاری با دایره‌های رنگی اما پیش از اصلاحاتی که ظاهراً احمد خیقانی روی متن اعمال کرده، یعنی درج نقاط اعجام و حرکات به متن قرآنی، صورت گرفته، و نهایتاً رفع کم‌رنگ‌شدگی‌هایی که در اثر مرور زمان پدید آمده بوده‌اند، که احتمالاً نویسنده یادداشت مسئول آن بوده است. اگر احمد خیقانی را نویسنده یادداشت بدانیم، چنانکه شواهد دیگر چنین می‌نمایند، همو اصلاح اخیر را هم روی متن قرآنی اعمال کرده است.

به دلیل تردیدی که درباره اصلت بخش دوم یادداشت وجود دارد، نمی‌توان به تاریخ مندرج در یادداشت تکیه کرد. بنابراین، درباره تاریخ کتابت اولیه دست‌نوشته و زمانی که اصلاحات بعدی اعمال شده‌اند، هنوز شاهد مطمئنی در اختیار نداریم. در ادامه این موضوع روشن‌تر خواهد شد.

۱. ووست هم در بررسی دست‌نوشته متفطن این مطلب شده اما جایگزینی صفحات را به دلیل خطای بیش از اندازه کتابت اولیه دانسته که مصحح ناگزیر شده برگه‌های اصلی را قطع و با برگه‌های جدید جایگزین کند (Wust 2020: 486). ولی بررسی اصلاحات اعمال شده روی برگه‌های دیگر این جزوه و دیگر اجزای این قرآن مؤید این احتمال نیست.

دو. انجامة جزء سوم مصحف که پشت برگه ۴۷ جزوه CBL Is 1417A آمده وضعی مشابه انجامة جزء پانزدهم (NLI Yah. Ar. 966) دارد. این یادداشت را نیز می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش ابتدایی که اصیل به نظر می‌رسد و بخش پایانی که به روشنی بعداً بدان ملحق شده است. بخش نخست، که در سه سطر در یک قاب مستطیل شکل نوشته شده، از این قرار است: « این جامع در پست بگرد | احمد بن ابی القیم الخیقانی | حفظه الله فی کفه ». کلمات در این سه سطر متوازن و همسان توزیع شده‌اند: هر سطر چهار کلمه. در تصویر رنگ جوهر این بخش از یادداشت قهوه‌ای تیره به نظر می‌رسد. تشخیص اینکه جوهر یادداشت متمایز از جوهر اصلی دست‌نوشته است نیاز به بررسی آزمایشگاهی دارد.^۱ در این بخش، با وجود تفاوت جزئی قلم، ویژگی‌های بنیادی خط شامل شکل حروف و سبک نقطه‌گذاری در بخش نخست یادداشت شباهت زیادی با بخش اصیل انجامة قبلی (NLI Yah. Ar. 966) دارند که احتمال اصالت یادداشت را تقویت می‌کنند؛ تنها تفاوت در نقطه‌گذاری «ی» خیقانی است که در این یادداشت دو نقطه زیر حرف قرار گرفته‌اند در حالی که در متن قرآنی همیشه داخل گودی یاء جای داده شده‌اند (نیز مقایسه کنید با «خیقانی» و «فی» در انجامة جزء پانزدهم در تصویر یک).

بخش دوم یادداشت، که در دو سطر زیر بخش نخست قرار گرفته، در بردارنده تاریخ است: «وذلك في شهر الله المبارك سنة | اثني وتسعين ومائتين^۲». بنا بر تاریخ درج شده در یادداشت، سال درست‌کردن جامع ۲۹۲ ذکر شده و از ماه صرفاً با وصف «مبارک» یاد شده است. برخلاف بخش اول یادداشت، کلمات در بخش دوم به طور نامتوازن بین دو سطر تقسیم شده‌اند: سطر اول شش کلمه و سطر دوم سه کلمه. همچنین به نظر می‌رسد این دو سطر به طور تحمیلی در قاب سه سطر آغازین یادداشت جا داده شده‌اند: کلمه‌های سطر نخست کوچکتر شده و درهم فرو رفته‌اند و سه کلمه «فی»، «الله» و «سنة» روی حرف آخر کلمات پیش از خود سوار شده‌اند، در عوض سه کلمه سطر دوم به طرز اغراق‌آمیزی بزرگتر نوشته شده‌اند تا طول سطر آخر با قاب مستطیل شکل متناسب گردد. ویژگی‌های خط نیز از شکل

۱. کتابخانه چستر بییتی تجهیزات مورد نیاز برای تحلیل آزمایشگاهی جوهر را در اختیار دارد. برای این منظور، در حال ریزنی با مسئولان این کتابخانه هستیم و امیدواریم در آینده نزدیک فرصت انجام آزمایش‌های دقیق‌تر فراهم شود.
۲. در رسم الخط قرآنی و املائی معیار عربی مائتین با سه دندان نوشته می‌شود؛ برای نمونه، انجامة کتاب الثمرة لبطلمیوس مما ترجمه و کشف عن معناه از احمد بن یوسف الکاتب الطولونی: «سنة اثنین وتسعين ومائتين»، Vatican, Biblioteca Apostolica Vaticana, Sbath 48, 75v. برای تصاویر دست‌نوشته، ر.ک. کتابخانه دیجیتال واتیکان به آدرس: <https://digi.vatlib.it/mss/detail/Sbath.48>; نیز Rovati 2021. برای نمونه‌های دیگر، ن.ک. Déroche 1987-1989, fig.13; Quiring-Zoche 2013:51-52. البته نمونه‌هایی از املائی این کلمه با دو دندان (مائتین) در انجامة‌های نسخه‌های کهن دیده می‌شود؛ برای نمونه ن.ک. پیش از این، پانویس مربوط به انجامة نسخه خطی غریب الحدیث؛ نیز Déroche 1987-1989, fig.5. توجه به املائی عدد نتیجه همفکری با محمد علی خوانین زاده است که دوباره از او تشکر می‌کنیم.

حروف تا سبک نقطه‌گذاری، هیچ شباهتی به بخش نخست ندارند. دندانه‌های حروف «س» و «ش»، نقطه‌های متصل «ش» و «ث»، کلفتی انتهای حروف زیر کرسی (ی، و، ن) در سطر آخر به سبب عدم ارسال در کتابت، و شکل «ه» در کلمه الله در سطر چهارم تفاوت دو بخش یادداشت را آشکار می‌کنند. از اینها گذشته، شکل حروف «م» (هفتی) و «ر» (شمشیری یا معلقه در خط نسخ یا رحمانیه در خط ثلث) در کلمه «شهر» نیز کاملاً غریب می‌نمایند و دوره متأخرتری از تحول خط نسخ را بازتاب می‌دهند. همه این شواهد از الحاقی بودن دو سطر پایانی انجامه حکایت دارند (ن.ک. تصویر دو).



تصویر دو. CBL Is 1417A. برگه ۴۷ پشت، انجامه.

در بخش اصیل این یادداشت کوتاه، به اجمال کاری که خیقانی روی دست نوشت انجام داده توضیح داده شده است: «درست کردن جامع». مراد از «جامع» قاعدتاً مصحف قرآن است که از مقایسه با انجامه جزء پانزدهم معلوم می‌شود مراد دست‌نوشتی است متشکل از مجموعه‌ای از اجزای مختلف قرآن (= جامع اجزای قرآن) که در این مورد، قرآن سی جزئی («سی پاره») است. تعبیر «جامع» در دیگر انجامه‌های همین قرآن نیز تکرار شده است (ن.ک. ادامه). در این یادداشت هیچ توضیح اضافی نیامده که معنای روشن‌تری از فعل «درست کردن» و جزئیات کاری که نویسنده یادداشت روی متن قرآنی انجام داده به دست دهد. پس عجالتاً باید به همان توضیحی که در انجامه جزء پانزدهم آمده بسنده کرد. بنابراین، اگر معنای «درست کردن» را همان اصلاح و ترمیم در نظر بگیریم، بر مبنای توضیحات اضافی در انجامه پیشین، خیقانی دست‌نوشت قرآنی را نقطه‌گذاری (اعجام) و حرکت‌گذاری (نقط) کرده است. در این جزء هم اصلاح بعضی اغلاط و جاافتادگی‌ها دیده می‌شود.^۱

۱. برای نمونه، ن.ک. برگه ۶ پشت، انتهای سطر چهارم و میانه سطر ششم؛ برگه ۱۲ رو، پایان سطر اول، حاشیه سمت چپ آن و دستکاری حرف آغازین سطر دوم؛ خط خوردگی «واطعنا» در سطر پایانی روی برگه ۱۸ که در سطر آغازین پشت همان برگه

در بیشتر این موارد، کلمه «صح» در حاشیه برگه آمده که نشان می‌دهد، همچون جزء پانزدهم، فردی این جزوه را نیز از آغاز تا پایان بازخوانی و خطاهای کاتب را تصحیح کرده است. همانند جزء پانزدهم، عمده این اصلاحات با جوهر متمایل به رنگ قهوه‌ای اعمال شده‌اند. اما اصلاحاتی هم با جوهر مشکی رنگ انجام شده که به ظاهر متفاوت با رنگ جوهر یادداشت پایانی جزء سوم (و ظاهراً شبیه به رنگ جوهر انجامه جزء پانزدهم) است.^۱ اینجا و آنجا آثار پررنگ شدگی متن قرآنی نیز دیده می‌شود (برای نمونه، برگه ۱ پشت). نکته جالب توجه، آسیب دیدگی شدید برگه آخر جزء (برگه ۴۷ رو) است. چند سطر پایانی از متن قرآنی در اثر این آسیب دیدگی دشوارخوان (و در بعضی جاها ناخوانا) شده، اما از آثار به جای مانده پیداست که آیه ۹۱ سوره آل عمران در میانه برگه به اتمام می‌رسیده چنان‌که گل‌آیه زیر سطر چهارم همچنان پیداست (ن.ک. تصویر سه). ظاهراً در سه سطر باقیمانده آیه ۹۲ کتابت شده بوده و حتی گل‌آیه مربوط به پایان جزء، که شکل آن متفاوت با گل‌آیه‌های ده‌تایی است،



در پایان جزء درج شده بوده است (ن.ک. تصویر چهار، الف و ب). آیه ۹۲ به دلیلی امحا شده و پنج کلمه پایانی آیه ۹۱ در چهار سطر آخر توزیع و با دستخطی متفاوت با چهار سطر ابتدایی و صفحات پیشین نوشته شده‌اند. به همین دلیل، جزء سوم برخلاف انتظار به آیه ۹۱ ختم می‌شود. روشن است که این دستکاری بعداً روی دست‌نوشته اعمال شده هرچند برخلاف مورد مشابه در جزء پانزدهم، زیر برگه ۴۷ رو اثری از کلمه «صح» در پایان این برگه نیست که دلالت بر بازنگری و اصلاح متن داشته باشد.

تصویر سه. CBL Is 1417A، برگه ۴۷ رو

تکرار شده بوده؛ برگه ۳۸ رو، سطر چهارم حاشیه سمت چپ و سطر هشتم کلمه پایانی. به احتمال زیاد، اصلاحاتی همچون سطر افزوده زیر سطر هشتم در برگه ۴ رو و اصلاح کلمه پایانی سطر هشتم و سطر افزوده زیر آن در برگه ۱۱ رو در زمان کتابت اولیه دست‌نوشته انجام شده‌اند چراکه کلمات با نقطه‌های رنگی اعراب‌گذاری شده‌اند. همین‌طور است مواردی مثل برگه ۳۰ پشت که سطرهای سوم به بعد نسخه با جوهر و دستخط متفاوت بازنویسی شده‌اند.

۱. برای نمونه، ن.ک. برگه ۱ پشت، بین سطرهای اول و دوم؛ بعضی‌ها؛ برگه ۱۴ رو، سطرهای ششم و هفتم؛ مؤمنین - تعلمون؛ برگه ۱۷ پشت، سطرهای سوم و چهارم؛ برگه ۳۵ پشت، سطر آخر؛ برگه ۴۰ رو، سطر دوم؛ برگه ۴۳ رو، بین سطرهای پنجم و ششم.



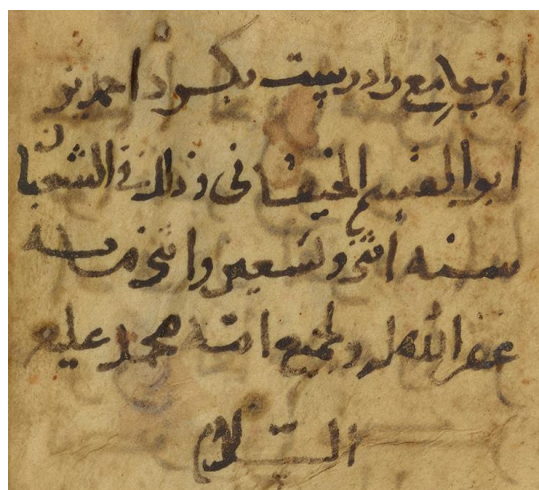
تصویر چهار، الف. گل‌آیه پایان جزء سوم، برگه ۴۷ رو



تصویر چهار، ب. گل‌آیه پایان جزء سوم، برگه ۴۴ پشت

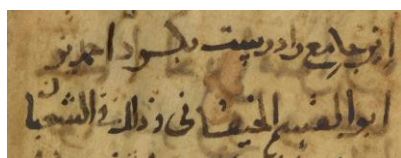
با این توضیحات، می‌توان نتیجه‌گیری پیشین درباره‌ی جزء پانزدهم مبنی بر سه نوع تصحیح، تکمیل و ترمیم اعمال شده را به جزء سوم هم تعمیم داد: (۱) رفع از قلم افتادگی‌ها و خطاهای متن قرآنی؛ (۲) افزودن نقاط اعجام و حرکات به متن قرآنی؛ و (۳) پررنگ کردن و اصلاح متن با جوهر متفاوت. همچنان به دلیل تردیدی که درباره‌ی اصالت بخش دوم یادداشت وجود دارد، نمی‌توان به تاریخ مندرج در انجنامه‌ی جزء سوم نیز استناد کرد.

سه. با توضیحاتی که پیشتر آمد، الحاقی بودن سراسر انجنامه‌ی جزء نوزدهم این قرآن (CBL Is 1417D) که پشت برگه ۴۶ افزوده شده روشن می‌شود (ن.ک. تصویر پنج).

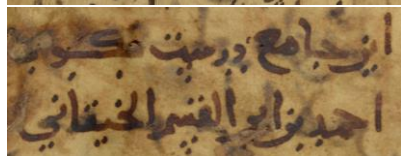


تصویر پنج. CBL Is 1417D، برگه ۴۶ پشت

ظاهراً بخش آغازین این یادداشت از بخش نخست و اصیل انجامه جزء سوم (CBL Is 1417A)، برگه ۴۷ پشت) الگو گرفته شده است:



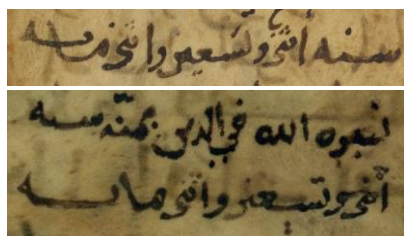
انجامه جزء
نوزدهم:
این جامع را در پست بگرد احمد
بن | ابو القسیم الخیقانی



انجامه جزء سوم
(الگوی
احتمالی):
این جامع در پست بگرد | احمد بن
ابی القسیم الخیقانی

اما چون سازنده یادداشت با سبک نگارش یادداشت اصیل مأنوس نبوده، از الگوهای رایج در خط نسخ بهره گرفته است. از مقایسه این یادداشت با الگوی احتمالی به خوبی آشکار می‌شود ویژگی‌های خط، از شکل حروف تا سبک نقطه‌گذاری، هیچ شباهتی به یادداشت اصیل ندارند؛ چنان که در بخش دوم و الحاقی دو انجامه پیشین دیدیم. البته تلاش‌هایی برای مشابهت‌سازی با خط اصیل انجامه الگو صورت گرفته، از جمله قراردادن سه نقطه زیر «س» در «در پست» یا تک نقطه زیر «د» در نام «احمد»؛ اما احتمالاً به دلیل ناآشنایی با قواعد نقطه‌گذاری این کار ناتمام مانده (سه نقطه زیر س در قاسم به دو خط مورب به هم چسبیده زیر هم تحلیل رفته) و دیگر حروف (حتی همان حرف دال در دیگر کلمات) بی نقطه رها شده‌اند. حتی شکل نقطه‌های درج شده هم به الگوی اصیل شباهتی ندارد: نقطه‌ها به هم چسبیده‌اند و دو نقطه قاف «القسم» و «الخیقانی» هم عمودی و زیرهم مرتب شده‌اند که در الگوی نقطه‌گذاری دست‌نویست نظیری ندارد. حرکت‌گذاری متن فارسی هم غریب است و اثری از آن در یادداشت قبلی نیست، به‌ویژه درج کسره زیر الف «این» و میم «جامع» که هیچ وجهی ندارد. رنگ جوهر انجامه مشکمی است که با اندکی دقت تمایز آن با رنگ جوهر نقطه‌ها و حرکات افزوده روی متن قرآنی مشخص می‌شود. زبان عربی یادداشت هم مغلوط است: نام پدر خیقانی به جای «ابی القسم» به صورت «ابو القسم» نوشته شده که احتمالاً حاصل بدخوانی انجامه الگو بوده است؛ نام ماه قمری «شعبان» نیز به خطا با الف لام درج شده است.

سطر سوم انجامه عیناً به همان سبک و با همان قلم نوشته شده که پیشتر در انجامه NLI Yah. Ar. 966 (برگه ۵۰ پشت) دیدیم و جالب این است که عیناً همان خطای نحوی در تاریخ (تربیب «اثنی ماه» به جای «مائتین») اینجا هم تکرار شده است.



انجامه جزء
نوزدهم: سنه اثني وتسعين واثنى عشر ماه

انجامه جزء
پانزدهم: سنه | اثني وتسعين واثنى عشر ماه

ساختگی بودن دو سطر آخر به روشنی هویدا است: تعلیق «ر» در «غفر»، ارسال «ه» در «له»، و کشیدگی «س» و ترکیب نامتعارف لام و الف در السلام که به جای لام و الف ضربدیری با الف کج که روی لام نشسته همگی نشان از ناهمگونی نوشته با سبک رایج نگارشی در تاریخ ادعایی دارند.^۱ این قبیل ناهماهنگی‌ها و اشتباهات نشان‌دهنده ناآشنایی با قواعد نگارشی و زبانی دوره زمانی‌ای است که سازنده یادداشت سعی داشته به مخاطب القا کند و حاکی از آن است که شخصی با دانش ناقص از زمینه‌های هنری و مذهبی این یادداشت را به جزوه افزوده است. همانطور که پیشتر آمد، CBL Is 1417C نیز فاقد انجامه است. اگر ملاحظات ما در مورد الحاقی بودن انجامه CBL Is 1417D درست باشد، بخش اخیر هم در اصل انجامه نداشته است. این نشان می‌دهد که خیقانی لزوماً در پایان هر بخش از این قرآن یادداشتی باقی نگذاشته است (ن.ک. ادامه).

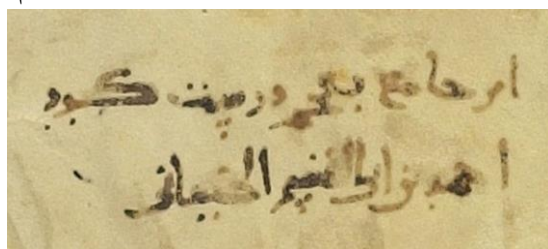
در این جزوه هم اصلاح بعضی اغلاط و جاافتادگی‌ها دیده می‌شود.^۲ در یک جا در حاشیه برگه (برگه ۴۰ پشت، فنضرة - < فناظرة)، و نیز زیر برگه آخر (برگه ۴۶ رو) کلمه «صح» آمده که نشان می‌دهد احتمالاً همان کسی که جزء سوم و پانزدهم را بازنگری و با جوهر قهوه‌ای اصلاح کرده خطاهای کاتب در این جزء را نیز تصحیح کرده است. همچون جزء سوم، در بعضی صفحات آثار پیرنگ شدگی متن قرآنی نیز دیده می‌شود (برای نمونه: برگه ۱ پشت؛ برگه ۲۴ رو، سطر آخر؛ برگه ۴۶ رو).

۱. کاربرد تعبیر دعایی «علیه السلام» برای پیامبر، به جای تعبیر متعارف و معهود «علیه الصلوة والسلام»، نیز غیرمتداول و نامرسوم است؛ هرچند در برخی نسخه‌های کهن نهج البلاغه همین تعبیر برای پیامبر به کار رفته است؛ برای نمونه، ن.ک. نسخه مورخ ۴۶۹ به خط حسین بن حسن المؤذب، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ش ۳۸۲۷، برگه ۵۰ پشت؛ نسخه‌ای از قرن پنجم هجری، مرکز احیاء میراث اسلامی، قم، ش ۵۰۸، برگه ۸۳ پشت، ۱۱۰ پشت؛ نسخه مورخ ۵۵۳ به خط عبدالجبار بن حسین بن ابوالقاسم حاجی فراهانی، کتابخانه رضا رامپور، ش ۱۱۹۰، برگه ۲۹ پشت، ۸۹ رو؛ نسخه‌ای از قرن ششم هجری، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ش ۱۵۴، برگه ۳۵ پشت؛ نسخه مورخ جمعه اوایل ذی‌قعدة ۶۴۹ به خط ابواسحاق اسماعیل بن یعقوب جندی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ش ۵۵، برگه ۴۰ رو، ۸۷ رو، ۱۳۸ رو.

۲. برای نمونه، ن.ک. برگه ۱۷ پشت، «موسی» که بین سطرهای هفتم و هشتم درج شده؛ برگه ۱۸ رو، اصلاح سطر چهارم و افزوده بین دو سطر برای جبران آیه از قلم افتاده؛ برگه ۲۳ رو، خط خوردگی «تعلمون» در سطر سوم و درج «تسعون» بالای همان سطر؛ برگه ۲۷ پشت، درج «قوم» در حاشیه سمت راست سطر ششم؛ برگه ۲۹ رو، درج از قلم افتادگی آیه ۱۸۴ سوره الشعراء در حاشیه سمت چپ؛ برگه ۴۳ رو، سطر هشتم و سطر افزوده زیر آن. به احتمال زیاد، اصلاحاتی همچون امحا و بازنویسی با جوهر و دستخط متفاوت روی دو سطر آخر در برگه ۹ پشت، سطر ششم برگه ۱۲ رو، سطرهای دوم و سوم برگه ۱۹ پشت، دو سطر آخر برگه ۲۴ رو، سطر ششم برگه ۲۸ رو، و موارد مشابه دیگر در زمان کتابت اولیه دست‌نویست انجام شده‌اند چراکه کلمات با نقطه‌های رنگی اعراب‌گذاری شده‌اند.

برگه ۴۵ متعلق به این جزء نیست بلکه مشتمل بر آیاتی از جزء دوازدهم قرآن است و احتمالاً در دوره‌ای متأخر در اثر آمیختگی اوراق اجزای مختلف لابه‌لای برگه‌های این جزء قرار گرفته است. نکته جالب توجه این است که دستخط این برگه مشابه برگه‌های الحاقی (۱۷، ۲۹ و ۳۹) به جزء پانزدهم است و همانند آنها فاقد نقطه‌های رنگی است. البته پشت برگه ۴۵ روی متن قرآنی اثر نقطه‌های اعراب‌گذاری دیده می‌شود که در اثر گذشت زمان با پوست و اکنش نشان داده و به رنگ تیره درآمده‌اند. یک برگه دیگر از جزء دوازدهم لابه‌لای اوراق جزء پنجم (Is 1417B، برگه ۴) قرار گرفته که دستخط آن با دستخط اصلی مشابهت دارد و همین ویژگی تیره‌شدن نقطه‌های رنگی اعراب در آن هم دیده می‌شود. با توجه به تفاوت دستخط برگه ۴۵ با دیگر بخش‌های این قرآن و نبود نقطه‌های رنگی، این احتمال تقویت می‌شود که بعد از کتابت اولیه مصحف و برای رفع نقایص/مفقودی‌ها به دست نوشت افزوده شده باشد. متأسفانه جزء دوازدهم این قرآن همچنان مفقود است و نمی‌توان این برگه‌ها را با دیگر اوراق آن جزء سنجید تا توضیح مناسبی برای آثار دایره‌های رنگی تیره پشت برگه یافت.

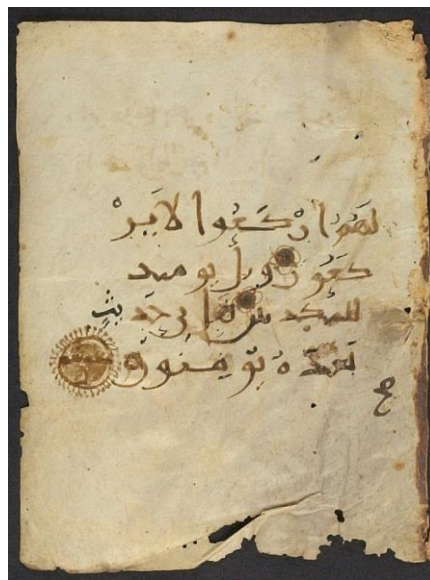
چهار. همه انجامه‌های این قرآن حاوی تاریخ نیستند. یادداشت پشت برگه آخر جزء بیست و نهم (HAM 1965.499.1) هم از حیث سبک نگارش و نقطه‌گذاری و هم از نظر ترکیب بندی عبارت به بخش اصیل یادداشت جزء پانزدهم (NLI Yah. Ar. 966، پشت برگه ۵۰؛ CBL Is 1417A، پشت برگه ۴۷) بسیار شبیه است. رنگ جوهر یادداشت قهوه‌ای تیره است. متن این یادداشت کوتاه از این قرار است: «اس جامع بعجم در پست کرد | احمد بن ابی القیوم الخیقانی». عبارت پردازی این سه یادداشت تقریباً یکسان است، گرچه در برخی جزئیات تفاوت‌هایی دارند: در Yah. Ar. 966 به جای «جامع» تعبیر «سی پاره» آمده؛ CBL Is 1417A فاقد عبارت «بعجم»



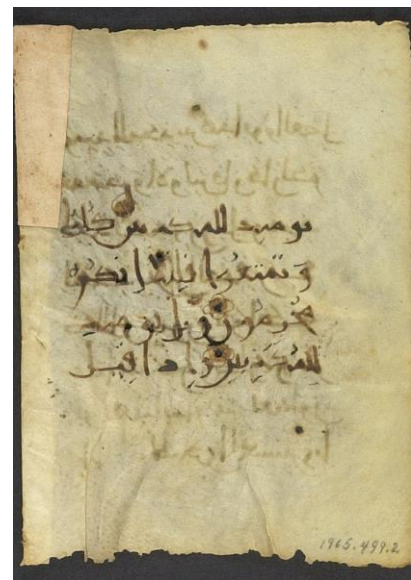
تصویر شش. HAM 1965.499.1، پشت

تفاوت مهم این جزء با سایر اجزای کامل در این است که دستخط دو برگ آخر نسخه با سایر برگه‌های به دست آمده از آن متفاوت است. این دستخط مشابه برگه‌های الحاقی در جزء پانزدهم (Yah. Ar. 966، برگه‌های ۱۷، ۲۹ و ۳۹) و تک برگ جزء دوازدهم (Is 1417D، برگه ۴۵) است. تفاوت مرکب و خط و نقوش تزئینی فواصل آیات بین دو برگ آخر این جزء و سایر بخش‌های این قرآن به

حدی است که با اطمینان می‌توان گفت این اوراق در دوره‌ای متأخر به دست‌نویست افزوده شده‌اند. متن قرآن در این دو برگ (در موزه‌های هنر هاروارد) دقیقاً از جایی شروع می‌شود که سومین برگ منتهی به آخر جزء در موزه هنر لس‌آنجلس (M.2002.1.403) پایان یافته است. برای اینکه این جزوه نیز مانند دیگر اجزای این قرآن روی برگ آخر به اتمام برسد، کلمات پایانی جزء به طور مساوی بین دو صفحه آخر تقسیم و در هر صفحه چهار سطر به صورت قرینه کتابت شده است. به این ترتیب فضای زیادی در بالا و پایین این دو صفحه خالی مانده و اثری از تذهیب نیست (تصویر هفت الف و ب؛ مقایسه کنید با تصویر هشت، دو برگ پایانی جزوه CBL Is 1417B). بعید نیست که دو برگ آخر این جزء افتاده بودند و کسی که اقدام به اصلاح اجزای این قرآن کرده این دو برگ را به انتهای این جزوه افزوده باشد چنانکه در پایان جزء در حاشیه برگه کلمه «صح» آمده است.



تصویر هفت ب، HAM 1965.499.1، رو



تصویر هفت الف، HAM 1965.499.2، پشت

با اینکه غرض از افزودن این برگه‌ها رفع نقص جزوه بوده، این برگه‌ها خود خالی از خطا نیستند. در آیه آخر سورهٔ مرسلات نیمی از واژه «حدیث» در انتهای سطر از قلم افتاده که بعداً با قلم و جوهر متفاوت احتمالاً به دست مصحح نقطه‌گذار و اعراب‌گذار، یعنی احمد خیقانی، اصلاح شده است (تصویر هفت ب). جوهر برگه‌های افزوده قهوه‌ای کم‌رنگ است و آثار پیرنگ‌شدگی روی بیشتر سطوح آن با مرکب مشکی دیده می‌شود. زمان کتابت برگه‌های افزوده مشخص نیست؛ اما یادداشت خیقانی پشت برگه آخر و نیز نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری و پیرنگ‌شدگی روی دو برگ الحاقی و دیگر برگه‌های به‌جای مانده از جزء با جوهر مشکی نشان می‌دهد که او

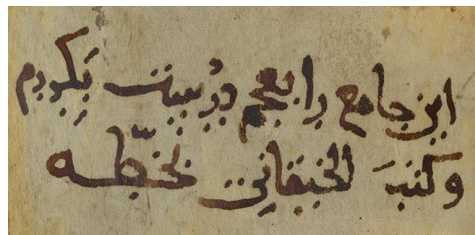
بعد از رفع نقص جزوه، و نه همزمان با آن، اصلاحات خود را روی دست‌نوشته اعمال کرده است. از تصاویر نمی‌توان تمایز میان جوهر انجامه و جوهر متن قرآنی برگه‌های الحاقی را تشخیص داد. باید برگه‌ها را از نزدیک بررسی کرد. تحلیل آزمایشگاهی جوهر تردیدها را برطرف خواهد کرد.

پنج. کوتاه‌ترین انجامه این قرآن در پایان جزء پنجم (CBL Is 1417B) آمده است. همان‌طور که پیشتر آمد، این تنها یادداشتی است که روی برگه پایانی (برگه ۴۶ رو) و زیر آیات قرآنی نوشته شده و رنگ جوهر به کاررفته در یادداشت با جوهر متن قرآنی بالای یادداشت کاملاً همسان به نظر می‌رسد. متن قرآنی روی برگه آخر نیز چه از نظر دستخط و چه از نظر رنگ جوهر با برگه‌های قبلی جزوه شباهت دارد. از تعداد کلمات باقیمانده از جزء و تقسیم آن به دو بخش دو سطری در دو صفحه روبرو چنین بر می‌آید که کاتب دست‌نوشته بنا داشته این جزء قرآنی را همانند اجزای دیگر روی برگه تمام کند تا پشت برگه پایانی خالی بماند. البته جای‌گیری یادداشت پایانی زیر متن قرآنی، و نه پشت برگه آخر دست‌نوشته، تأمل برانگیز است، به ویژه که با این کار تقارن قاب بندی دو صفحه پایانی نیز بهم ریخته است: در برگه ۴۵ پشت، آیات در دو سطر در میانه صفحه قرار گرفته‌اند و بالا و پایین برگه به طور کامل و کناره راست برگه از دو طرف تا میانه با تذهیب قاب بندی شده و بخش میانی تذهیب عمودی خالی رها شده که آغاز دو سطر قرآنی در دل آن جای گرفته‌اند. انتظار می‌رفت که در صفحه روبرو نیز قرینه همین قاب بندی دیده شود: یعنی تذهیب کامل بالا و پایین صفحه و خالی ماندن بخش میانی تذهیب عمودی به طوری که فضای لازم برای پایان دو سطر باقیمانده قرآنی فراهم شود. اما بر خلاف انتظار، دو سطر قرآنی در میانه قاب قرار نگرفته‌اند بلکه به بخش بالایی قاب منتقل شده‌اند تا فضایی برای درج یادداشت پایانی ایجاد شود. تقارن تذهیب عمودی نیز بهم ریخته و کادر عمودی به طور پیوسته رسم شده است (ن.ک. تصویر هشت).



تصویر هشت. CBL Is 1417B، برگه ۴۵ پشت (راست) و ۴۶ رو (چپ)

متن یادداشت پایانی این جزوه از دو عبارت، یکی فارسی و دیگری عربی، تشکیل شده است: «این جامع را بعجم دُرِپست بگردم | وکتب الخیقانی بخطه». در این یادداشت، برخلاف دیگر انجامه‌ها، فعل اول شخص به کار رفته است: «درست بگردم». ویژگی‌های خط از شکل حروف مانند سرک «الف»، کاسه «ن» و «ی»، و ترکیب «ج» و «خ» در وسط کلمه تا سبک نقطه‌گذاری که عیناً از قواعد نقطه‌گذاری حداکثری متن (نقطه‌گذاری حروف «د»، «ر»، «س»، و نیز درج دو نقطه داخل کاسه «ی») تبعیت می‌کند، همگی اصیل به نظر می‌رسند. البته ملاحظاتی هم در میان هست. ویژگی‌های برخی حروف با دیگر یادداشت‌های خیقانی همخوان نیست: به طور مشخص شکل حرف «ک» در «بگردم» و «وکتب» و نیز بالاترگی حرف «ت» در «دُرِپست». همچنین بعضی حروف به طور تصادفی حرکت‌گذاری شده‌اند حال آنکه که در دیگر یادداشت‌های خیقانی اثری از حرکت‌گذاری حروف نیست. حرکت‌گذاری روی «ب» و «ک» در «بگردم» هم در بادی امر نامأنوس می‌نماید.^۱ اینجا هم مانند انجامه جزء بیست ونهم تنها به ذکر قید «عجم» (یعنی نقطه‌گذاری حروف) بسنده شده درحالی‌که در این جزء نیز حرکت‌گذاری به شیوه خلیل اضافه شده است. تعبیر «وکتب الخیقانی بخطه» در سطر دوم یادداشت می‌تواند تلاشی باشد برای بازتاب دادن یادداشت اصیل (ن.ک. تصویر نه).



تصویر نه. CBL Is 1417B، برگه ۴۶ رو

اگر ملاحظات طرح‌شده درباره اصلت یادداشت اخیر را بپذیریم، باید چنین فرض کنیم که فردی برگه آخر این جزء را با برگ دیگری جایگزین کرده و با تقلید از برگه اصلی متن قرآنی (و دایره‌های قرمز رنگ و نقطه‌های حروف و حرکات و سایر علائم درج شده روی آن) را عیناً رونویسی کرده و متنی مشابه یادداشت پایانی جزء سوم (CBL Is 1417A، برگه ۴۷ پشت) یا جزء بیست ونهم (HAM 1965.499.1، پشت) زیر آیات قرآنی درج کرده، با این تفاوت که به جای فعل سوم شخص «بکرد» فعل اول شخص «بگردم» را نشانده است.^۲ باید توجه داشت که در این

۱. این نحوه تلفظ به ویژه فتحه در پیشوند «ب» در بعضی از لهجه‌های قرون متقدم سابقه دارد. برای نمونه، ر.ک. صادقی، ۱۳۹۰: ص ۲۱۶؛ خالقی مطلق، ۱۳۹۹: ص ۹۵، ۱۸۴. به سخن دیگر، این تلفظ برای دوره‌های متقدم نامأنوس نبوده است.
۲. فقط با بررسی دست‌نوشته از نزدیک و نیز تحلیل آزمایشگاهی جوهر متن اصلی و یادداشت می‌توان درستی این فرضیه را سنجید.

یادداشت کوتاه هم اثری از تاریخ نیست آن طور که در انجامة‌های قبلی دیدیم و در اصالت آنها تردید هست. بنابراین، بر فرض درستی فرضیه الحاقی بودن یادداشت می‌توان آن را رونویسی از یادداشت اصیل تلقی کرد.

در این جزء هم، مانند دیگر اجزای این قرآن، شواهد روشنی از اصلاح ازقلم افتادگی‌ها،^۱ و نقطه‌گذاری، حرکت‌گذاری و پررنگ‌شدگی روی متن قرآنی دیده می‌شود که حاکی از دو مرحله مجزا از اصلاح و تکمیل دست‌نوشته است.

شش. همان طور که پیشتر آمد، جزوه CBL Is 1417C در بردارنده ۴۶ برگ از جزء نهم و دو برگ از جزء دهم است. برگ پایانی جزء نهم افتاده و از بود یا نبود انجامة روی آن بی‌اطلاعیم. روی برگه‌های جزء نهم نیز مانند دیگر اجزای قرآن خیقانی آثار اصلاح رسم الخط و جافتادگی‌ها و نیز نقطه‌گذاری، حرکت‌گذاری و پررنگ‌شدگی با جوهر مشکی دیده می‌شود. این موارد همگی با دستخط، قلم و جوهر متفاوت روی دست‌نوشته اعمال شده‌اند و فاقد نقطه‌های رنگی اعراب هستند که حاکی از این است که این اصلاحات زمانی پس از کتابت قرآن صورت پذیرفته‌اند.^۲ معدود اصلاحاتی همچون امحا و بازنویسی برخی سطرها به احتمال زیاد در زمان کتابت اولیه دست‌نوشته انجام شده‌اند چراکه کلمات با نقطه‌های رنگی اعراب‌گذاری شده‌اند.^۳

دو برگه ۴۷ و ۴۸ این جزوه و برگه ۳ از جزوه Is 1417B به جزء دهم قرآن مربوطند که آیات ۸۰-۸۷ و ۹۳ سورة التوبة را شامل می‌شوند. دستخط این سه برگه با دستخط سایر بخش‌های این قرآن و نیز با دستخط برگه‌های الحاقی که در اجزای دیگر شناسایی کردیم تفاوت دارد. هرچند کاتب با قواعد سبک نگارشی آشنا بوده و آنها را دقیق مراعات کرده است. از آنجا که جزء دهم قرآن همچنان مفقود است نمی‌توانیم درباره اصیل یا الحاقی بودن این سه برگه نظری بدهیم. آنچه معلوم است این است

۱. برای نمونه، برگه ۳۷ رو، سطر چهارم، «وهو محسن»؛ برگه ۴۱ پشت، سطر هفتم، «و کتبه».

۲. برای نمونه، برگه ۱ پشت، سطر سوم، «یا شعیب» که احتمالاً رسم الخطش اصلاح شده؛ برگه ۲ رو، سطر پنجم، «الله ربنا»؛ برگه ۷ رو، درج «من ارضکم» بالای سطر دوم؛ برگه ۸ پشت، سطرهای پنجم و ششم؛ برگه ۹ رو، درج «منا» پایان سطر چهارم؛ برگه ۱۰ پشت، سطر اول، «الأرض»؛ برگه ۱۳ پشت، سطر افزوده در حاشیه چپ صفحه که جبران ازقلم افتادگی آیه ۱۳۹ سورة الأعراف است؛ برگه ۱۶ پشت، درج «عنها» بالای سطر چهارم؛ برگه ۱۸ رو، درج «الظلمین» قبل از سطر هشتم؛ برگه ۲۱ رو، جبران افتادگی بین سطرهای سوم و چهارم؛ برگه ۲۶ رو، درج افتادگی پایان سطر چهارم و بین سطرهای چهارم و پنجم؛ برگه ۲۸ پشت، درج «القصص» بالای سطر هشتم؛ برگه ۲۹ پشت، سطر پنجم، درج «بها» بین دو کلمه؛ برگه ۳۰ پشت، درج «والأرض» ابتدای سطر هشتم؛ برگه ۲۳ پشت، خط خوردگی دو سطر سوم و چهارم و محو و بازنویسی دو سطر ششم و هفتم؛ برگه ۳۳ پشت، محو و بازنویسی نیمه دوم سطر سوم؛ برگه ۳۷ پشت، درج افتادگی بین سطرهای پنجم و ششم؛ برگه ۳۸ پشت، نیمه نخست سطر اول؛ برگه ۳۹ رو، خط خوردگی کلمه آخر سطر دوم؛ برگه ۳۹ پشت، درج افتادگی بالای سطر نخست.

۳. برای نمونه، برگه ۳ پشت، دو سطر چهارم و پنجم؛ برگه ۴۳ رو، سطرهای هفتم و هشتم؛ و برگه ۴۵ رو، سطر سوم.

که برگه پایانی جزء دهم فاقد انجامه است. متن قرآنی روی برگه آخر جزء (برگه ۴۸ رو) در سه سطر و در میان صفحه تنظیم شده و بالا و پایین صفحه تذهیب شده است (ن.ک. تصویر ده). روشن است که کاتب توجه داشته این جزوه نیز مانند دیگر اجزای این قرآن روی برگ آخر به اتمام برسد و پشت برگه خالی بماند. برخلاف جزوه CBL Is 1417B، اثری از انجامه خیقانی زیر آیات قرآن نیست. با توجه به آیات مفقود از پایان جزء دهم (آخرین حرف «یفقهون» التوبة: ۸۷ تا میانه آیه التوبة: ۹۳)، معلوم می شود که یک برگ بین برگه های ۴۷ و ۴۸ بوده است و از ترکیب صفحه آخر جزوه این طور بر می آید که صفحه مقابل نیز به صورت سه سطر و در بالا و پایین صفحه تزئین متقارن داشته است.

بررسی دقیق سه برگه باقی مانده از این جزء (جزوه Is 1417B، برگه ۳ و جزوه Is 1417C، برگه های ۴۷ و ۴۸) حاکی از آن است که در این جزء هم اصلاحاتی مشابه دیگر اجزای این قرآن اعم از نقطه گذاری، حرکت گذاری و پررنگ شدگی گاه و بی گاه متن قرآنی با رنگ و قلم متفاوت اعمال شده است. با توجه به یادداشت های پایان دیگر اجزای این قرآن که بیشتر بررسی شدند، این اصلاحات به دست احمد

خیقانی بر اجزای مختلف قرآن اعمال شده اند و دلیلی وجود ندارد که اصلاحات مشابه در این جزء را منتسب به هموندانیم. همچنین با توجه به ملاحظاتی که پیشتر درباره جزوه Is 1417D آمد، معلوم شد که به احتمال زیاد یادداشت الحاقی به جزء نوزدهم این قرآن نیز دستکاری متأخر و آن جزوه هم در اصل فاقد انجامه بوده است. به این ترتیب، معلوم می شود که گرچه خیقانی همه اجزای این قرآن را اصلاح کرده اما لزوماً در پایان همه اجزای آن یادداشت نگذاشته است.^۱

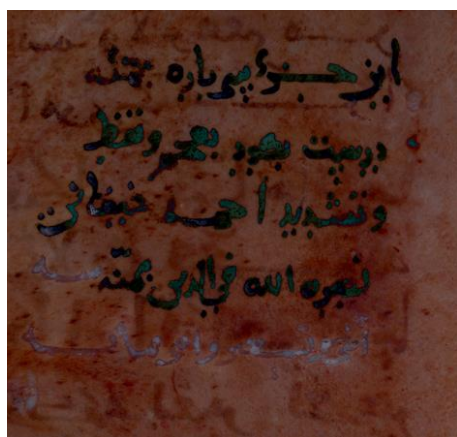


تصویر ده. CBL Is 1417C، برگه ۴۸ رو

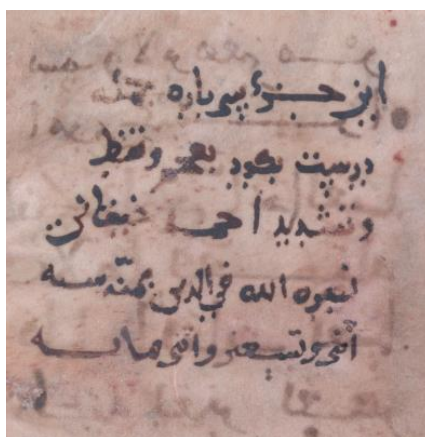
۱. کریمی نیا (۱۳۹۶: ۱۳، پانویس ۲) از نبود یادداشت در پایان جزوه Is 1417C و بررسی نه چندان دقیق برگ آخر نتیجه گرفته که این جزء تصحیح نهایی نشده بود. این نتیجه گیری شتابزده آشکارا نادرست است.

تصویربرداری چندطیفی از انجامة NLI Yah. Ar. 966

تصویربرداری چندطیفی انجامة جزوه NLI Yah. Ar. 966 به روشنی مؤید ملاحظات است که پیشتر درباره دو بخش اصیل و الحاقی انجامه آمد. چنانکه از تصویر پیداست بخش پایانی انجامه آشکارا افزوده ای متأخر است که با جوهری متفاوت با جوهر انجامه اصلی نوشته شده است.



تصویر یازده ب. نتیجه تصویربرداری چندطیفی



تصویر یازده الف. NLI Yah. Ar. 966، برگه ۵۰ پشت

پاره‌ای نویافته از قرآن خیقانی

نگارندگان نوشتار حاضر سال ۱۳۹۸ در بازدید از مجموعه خصوصی متعلق به آقای سیدمحمدحسین غیاث علوی (قم) جزء دیگری از این مصحف را شناسایی کردند. این جزوه مشتمل بر ۵۰ برگ است و آیات جزء سیزدهم قرآن (یوسف: ۵۳- ابراهیم: ۵۲) را در بردارد. جزء سیزدهم تنها بخش از قرآن خیقانی است که در ایران نگهداری می‌شود. این جزء در آذر ۱۳۸۸ ش به همراه مجموعه‌ای از اوراق پراکنده از مصاحف قدیمی در شهر مشهد برای خرید به مالک کنونی نسخه آقای غیاث علوی ارائه شد که از بین آن مجموعه ایشان موفق شد فقط همین جزء را خریداری کند. به این ترتیب، احتمالاً این جزء برخلاف سایر اجزاء هیچ‌گاه از ایران خارج نشده است.

پوست‌نوشت‌های این جزوه به خاطر شرایط نگهداری نامناسب تغییر رنگ داده و به مرور زمان از نخودی به طیف‌های مختلف رنگ بنفش تبدیل شده است.^۱ این تغییر رنگ باعث شده است

۱. برگهای دو جزوه قرآن موقوفه ابوالقاسم علی سیمجور در ۳۸۳ ق در کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۱۲۲۳ و ۱۱۲۲۴ نیز در اثر مرور زمان به همین رنگ درآمده است.

تا بعضی از سطرها و کلمات دست نوشت به کلی ناخوانا شود. برگ‌های پایان دست نوشت آسیب بیشتری دیده و بخش‌هایی از حاشیه برگه‌ها هم از بین رفته است. دو برگ آخر دست نوشت بیشترین آسیب را دیده و کلماتی از آیات مکتوب در آنها هم از بین رفته‌اند. همانند دیگر اجزای کامل این مصحف، روی نخستین برگه جزوه شماره جزء نوشته شده: «الثالث عشر» و پشت آخرین برگه یادداشتی به عربی آمده است: «(فرع عن بص) [؟]. ... احمد س ابی | القیم الخیقانی ... الله | المبارک سینه اثنی و تیسع | و اربعمیه» (ن.ک. تصویر دوازده). با اینکه بخشی از کلمات این یادداشت به خاطر آسیب دیدگی برگه آخر دست نوشت از بین رفته، متن بخش باقیمانده کاملاً گویاست.

یادداشت خیقانی در این نسخه دو تفاوت عمده با دیگر یادداشت‌ها در پایان اجزای موجود در کتابخانه چستر بیٹی، کتابخانه ملی اسرائیل و موزه‌های هنر هاروارد دارد: (۱) این یادداشت به زبان عربی نوشته شده، در حالی که یادداشت چهار جزء دیگر ترکیبی از فارسی و عربی است؛ (۲) در اینجا تاریخ تصحیح دست نوشت به سال ۴۹۲ ثبت شده، در حالی که این تاریخ در دیگر اجزای دست نوشت ۲۹۲ است. این تفاوت دو قرنی بین انجامه‌های یک دست نوشت نشان می‌دهد که تردید درباره اصالت (بخشی از) یادداشت‌ها نابجا نبوده و اگر آنچه در انجامه دست نوشت نویافته آمده درست باشد، باید هم در «حد زمانی پایانی» برای تاریخ کتابت قرآن خیقانی و هم در برخی استنتاجاتی که بر حد زمانی قدیم‌تر مبتنی شده‌اند، تجدید نظر کرد.



تصویر دوازده. انجامه دست نوشت مجموعه سید محمد حسین غیاث علوی (قم)، برگه آخر پشت (سمت راست: تصویر اصلی؛ سمت چپ: تصویر ویرایش شده)^۱

۱. از خانم منیر غفوری برای ویرایش تصویر سپاسگزاریم.

به نظر ما به چند دلیل تاریخ ۴۹۲ اصیل و تاریخ ۲۹۲ الحاقی و ساختگی است:

۱. از یادداشت‌های خیقانی چنین بر می‌آید که او همه اجزای این مصحف سی پاره را تصحیح کرده است. طبعاً چنین کاری را مقریان قرآن عهده‌دار می‌شدند که نه تنها به قواعد زبان عربی که با قرائات قرآن آشنا بودند.^۱ روشن است شخصی که در چند سطر کوتاه این همه اغلاط نحوی فاحش، همچون استفاده از الف لام برای ماه قمری شعبان و ذکر سال دویست به صورت «اثنی مائة»، و حتی ناتوانی از ذکر صورت صحیح نام خودش (احمد بن ابو القاسم به جای احمد بن ابی القاسم) دارد به هیچ روی نمی‌تواند همان کسی باشد که صلاحیت تصحیح و نقطه‌گذاری و حرکت‌گذاری سی جزء یک مصحف قرآنی را داشته است.

۲. با وجود اختلاف فاحش زمانی بین دو تاریخ، شباهت‌های زیادی بین آن دو هست. هر دو تاریخ در یکان و دهگان اشتراک دارند و اختلاف تنها در صدگان است. این اشتراک و اختلاف را دشوار می‌توان با تصادفی بودن توضیح داد. محتمل‌تر آن است که این دو تاریخ به هم مرتبط باشند و یکی الگوی دیگری قرار گرفته باشد. منطقی نیست فرض را بر ثانوی و جعلی بودن تاریخ جزوه علوی بگذاریم، چرا که جاعل تاریخ کهن‌تر، یعنی ۲۹۲، را رها نمی‌کند تا تاریخ دو قرن متأخرتر را در انتهای این جزوه اضافه کند.

۳. نحوه نوشتن سال دویست هجری در یادداشت‌های خیقانی نامتعارف است: این سال دو بار به صورت «اثنی مائة» ضبط شده و یک بار به صورت «ماتین». این دوگانگی در ضبط سال از سوی یک شخص و در یک زمان این سؤال را پیش می‌کشد که اگر کاتب صورت درست این کلمه را در زبان عربی می‌دانسته، چرا دو بار آن را نادرست ضبط کرده است؟ دست‌نویست علوی در پاسخ به این سؤال راهگشاست. احتمالاً عبارت مذکور در دست‌نویست مجموعه علوی «... الله | المبارک سپنه اثنی و تپبعس | و اربعمیه» (یا عبارتی مشابه در پایان پاره‌های دیگری از همین مصحف که الان مفقودند) الگوی بخش الحاقی در انجامه‌هایی بوده که در آنها عبارت «سنة اثنی و تسعين و اثنی مایه» نوشته شده است. به طور ویژه، انجامه جزء پانزدهم (NLI Yah. Ar. 966): «سنة اثنی و تسعين و اثنی مایه» که در آن دو نقطه به طور عمودی زیر «س» قرار گرفته می‌تواند تلاش برای مشابه‌سازی نگارش عبارت با متن اصیل را بازتاب دهد. شباهت ظاهری این دو به حدی است که گویی نویسنده یادداشت تلاش کرده «اربعمیه» را رونویسی کند و به عبارتی مشابه، یعنی «اثنی مایه»، رسیده باشد. این احتمال هم هست که او به خطا «اربعمیه» را «اثنی مایه» خوانده و همین تاریخ را در سایر اجزاء که فاقد تاریخ بودند افزوده باشد.

۱. در نوشتاری دیگر به تفصیل به قرائت این مصحف و اصلاحاتی که خیقانی در رسم الخط و قرائت آن اعمال کرده خواهیم پرداخت.

اما اگر تاریخ ۴۹۲ اصلیل است، در پاسخ به این سؤال که چرا در انجنامه اجزای دیگر تاریخ دو قرن قدیم تر اضافه شده است دو احتمال می توان طرح کرد: گمان قوی تر آن است که مالک دست نوشت ها برای بالابردن قیمت متاع خود این کار را کرده باشد؛ گمان ضعیف تر آن است که یکی از مالکان بعدی دست نوشت سهواً مرتکب این خطا شده و تاریخ درج شده در دست نوشت را اشتباه خوانده و به همان صورت بر دیگر اجزای دست نوشت که فاقد تاریخ بودند منتقل کرده باشد. این ادعا که نفیس نبودن این قرآن احتمال جعل تاریخ را کم می کند^۱ درست نیست؛ برعکس ویژگی های دست نوشت به روشنی دلالت بر ارزش مادی آن دارند: این مصحف سی پاره پوست نوشتی است با تذهیب ها و نشانه گذاری آیات با طلا که در آن اصول قرآن نویسی در قرآن های کهن به خوبی رعایت شده است. خط دست نوشت از نمونه های ارزشمند کوفی شرقی (یا سبک نوین در تقسیم بندی دروش) است که در آن قواعد خوشنویسی به روشنی و با دقت مراعات شده است.^۲ کاتب (یا کاتبان) اصلی دست نوشت همچون بسیاری دیگر از قرآن های کهن ناشناخته است اما این ناشناختگی به هیچ روی از ارزش دست نوشت های کهن نمی کاهد. ناشناخته بودن خیقانی هم دخیلی در موضوع ندارد چرا که او صرفاً دست نوشت اصلی را نقطه گذاری و حرکت گذاری و خطوط کمرنگ شده را با جوهر مشکی پررنگ کرده است. این فرض که عدم شهرت خیقانی در «فن کتابت و امور دیوانی» احتمال جعل را کم می کند موجه نیست. این را هم باید در نظر داشت که از قضا دست جاعلان و مزوران برای جعل و دستکاری در دست نوشت های کهن که از یک سو نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از سوی دیگر کیفیت هنری آنها در حد آثار نفیس نیست، بازتر است. در بازار آثار عتیقه، قرآنی با این خصوصیات که کهن است اما تاریخ ندارد، در قیاس با آثار نفیس بهایی کمتر دارد. اما وقتی همین قرآن با تاریخ همراه شود، بهای آن چندین برابر می شود. لذا جاعل احتمالی صرفاً با افزودن تاریخ به یادداشت مصحح دست نوشت تلاش کرده بهای آن را در بازار خرید و فروش آثار عتیقه چند برابر کند. البته این کار ساده تر و کارآمدتر از رقم زدن قرآن به نام خوشنویسان یا افراد مشهور بوده است؛ زیرا برای شبیه کردن رقم الحاقی به دستخط آنها هم باید وقت و توان زیادی صرف می شد و هم این احتمال وجود داشت که با پیدا شدن جزئی دیگر از این سی پاره (چنانکه الان نمونه اش یافت شده) تمام این تلاش ها نقش بر آب شوند.

۱. کریمی نیا، ۱۳۹۶: ۱۱.

۲. برای تحلیل اندازه های هندسی اجزای این قلم ن. ک. George, 2010: 120. داوری ولن، طباع و بلر درباره ناپختگی خط قرآن خیقانی چندان دقیق نیست؛ قس 151-150 Blair, 2006: 146 note 39; Tabbaa, 1991: 134 note 96; Whelan, 1990: 134 note 96. همچنین ن. ک. صحرآگرد، ۱۳۹۹: ۱۲۰.

نتیجه

چنانکه پیشتر آمد، در دهه‌های گذشته قرآن خیقانی به دلیل دو ویژگی خاص و منحصر به فردش یعنی تاریخ‌دار بودن و سبک نگارشی متمایز آن (کوفی شرقی یا سبک نوین) مورد توجه نسخه‌شناسان و پژوهشگران قرآنی و علاقه‌مندان به خوشنویسی اسلامی بوده است. در پژوهش‌های پیشین عموماً با مفروض گرفتن اصالت تاریخ انجامه‌ها، از این قرآن به مثابه کهن‌ترین نمونه سبک کوفی شرقی در قرآن نویسی و به تبع آن، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ نگارش‌های قرآنی یاد شده است. همچنین با توجه به فارسی بودن (بخشی از) انجامه‌ها، قرآن خیقانی «کهن‌ترین دست‌نوشته تاریخ‌دار به زبان فارسی به خط عربی» دانسته شده که قریب به یکصد و پنجاه سال کهن‌تر از دست‌نوشته‌های پیشتر شناخته فارسی است. در این مقاله نشان دادیم که در اصالت انجامه‌های پاره‌های موجود قرآن خیقانی تردیدهای جدی هست. بررسی دقیق انجامه‌ها نشان می‌دهد که دستکم بخشی از متن انجامه‌ها (که تاریخ مندرج در انجامه‌ها را شامل می‌شوند) افزوده‌هایی متأخرند که هم از حیث قلم و جوهر با بخش دیگر یادداشت همان پاره اختلاف دارند و هم از نظر سبک نگارشی، ویژگی‌های خوشنویسی و قواعد املائی با دوران کتابت یا تصحیح جزء قرآنی ناسازگارند. نتیجه تصویب‌برداری چندطیفی از انجامه جزوه NLI Yah. Ar. 966 هم به روشنی مؤید ملاحظاتی است که درباره دو بخش اصیل و الحاقی انجامه یاد شد.

۹۶

آینه پژوهش | ۲۱۸
سال ۳۷ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۵

انجامه پاره‌ای نویافته از همین قرآن شاهد نقضی دیگر بر محتوا و تاریخ انجامه‌های پیشین است؛ چراکه این یادداشت برخلاف دیگر انجامه‌ها صرفاً به زبان عربی است و تاریخ ۴۹۲ در آن ثبت شده است که دو قرن تاریخ دست‌نوشته را جابجا می‌کند. با توجه به یکسان بودن دو رقم دیگر تاریخ، به احتمال زیاد یکی الگوی دیگری بوده است. با توجه به جزئیاتی که در تحلیل انجامه‌ها آمد، دستکاری تاریخ متأخر و تغییر آن به تاریخی کهن‌تر بسیار محتمل می‌نماید در حالی که فرض عکس آن چندان معقول به نظر نمی‌رسد. اگر تاریخ انجامه پاره نویافته را اصیل بدانیم، «حد زمانی پایانی» قرآن خیقانی دو قرن متأخرتر از آن چیزی است که پیشتر فرض شده بوده و عملاً باید در بخشی از استنتاجاتی که در پژوهش‌های پیشین، به ویژه درباره تطور سبک‌های خط عربی، بر حد زمانی کهن‌تر استوار شده‌اند، تجدید نظر کرد.

روشن است تحلیلی که در این نوشتار عرضه شد عمدتاً بر شواهد نسخه‌شناختی تکیه دارد که به طور خاص با نتیجه تصویب‌برداری چندطیفی انجام شده بر روی یکی از انجامه‌ها و نیز بررسی انجامه پاره نویافته قرآن خیقانی تأیید شد. تردیدی نیست که اگر بتوان یکی از اجزای این قرآن (یا حتی برگه‌های پراکنده این قرآن در موزه‌ها و کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی) را با

آزمایش کربن ۱۴ سالیابی کرد، امکان تازه‌ای برای ارزیابی این تحلیل گشوده می‌شود. همچنین در این نوشتار، تحلیل مربوط به رنگ جوهر انجامه‌ها و مقایسه آن با جوهر متن قرآنی دست‌نوشته صرفاً متکی به تصاویر موجود بوده است. با توجه به اینکه نورپردازی در تصویربرداری تاثیر زیادی بر رنگ تصاویر دارد، بررسی دست‌نوشته‌ها از نزدیک ضروری است. به علاوه، امروزه انجام تحلیل‌های آزمایشگاهی غیرمخرب بر روی دست‌نوشته‌های کهن در میان موزه‌ها و کتابخانه‌ها اقبال بیشتری یافته و بسیاری از این مراکز به تجهیزات لازم برای انجام این آزمایش‌ها مجهز شده‌اند. بنابراین، امید داریم به زودی بتوانیم افزون بر بازدید مجموعه‌ها، از نتایج این آزمایش‌ها برای راستی‌آزمایی تحلیل ارائه‌شده در این مقاله بهره‌مند شویم.

منابع

- پوروش، بیتا (۱۳۸۹). «جلد و جلدسازی»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۳۳۸-۳۵۶.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۹۹). واج شناسی شاهنامه: پژوهشی در خوانش واژگان شاهنامه، تهران، انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه، چاپ دوم از دوره جدید، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۹۰). «در باره ورقه و گلشاه عتیوقی»، در ارج نامه ذبیح الله صفا: نقد و بررسی آثار و جستارهای متن شناسی، به کوشش سید علی آل داود، تهران، میراث مکتوب.
- صحراگرد، مهدی (۱۳۹۹). سطر مستور: تاریخ و سبک شناسی کوفی شرقی. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، و مشهد: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا.
- کریمی نیا، مرتضی (۱۳۹۶). «کهن ترین مکتوب تاریخ دار فارسی: دست نوشته فارسی از احمد بن ابی القاسم خیقانی در پایان قرن سوم». آینه میراث، س ۱۵، ش ۲، پیاپی ۶۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۹-۲۶.
- Aghaei, Ali, ed., (2017-), *Irankoran: Digital Catalogue and Edition of Qur'an Manuscripts in Collections of Iran*. <http://irankoran.ir> (accessed 26.2.2026).
- Arberry, Arthur J. (1964). "A Koran in 'Persian' Kufic." *Oriental College Magazine*, May and August 1964, V. 40, N. 157-158, 9-16.
- Arberry, Arthur J. (1967). *The Koran illuminated: a Handlist of the Korans in the Chester Beatty Library*, Dublin: Hodges, Figgs and Co., Ltd.
- Blair, Sheila (2006). *Islamic Calligraphy*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Blair, Sheila and Jonathan M. Bloom (2004). "Calligraphy." In: *Encyclopedia of Islam and the Muslim World Richard*. Edited by C. Martin. New York: Thomson/Gale, 123-126.
- Blair, Sheila and Jonathan M. Bloom (2017). "Hidden Treasures Qur'an Manuscripts in the Museum of Fine Arts, Boston." *Codicological Studies* I, 9-18.
- Blair, Sheila and Jonathan M. Bloom (2020). "The Islamic World." In: *The Oxford Illustrated History of the Book*. Edited by James Raven. London: Oxford university press, 195-220.
- Brend, Barbara (1989). "The Arts of the book.", In R.W Ferrier (ed). *The Arts of Persia*, New Haven & London: Yale University Press.
- Déroche, François (1983a). « Collections de manuscrits anciens du Coran a Istanbul: Rapport préliminaire ». In : *Etudes médiévales et patrimoine turc: Volume publié à l'occasion du centième anniversaire de la naissance de Kemal Atatürk*. Paris, 145-65.

- Déroche, François (1983b). *Les manuscrits du Coran. Aux origines de la calligraphie coranique - Catalogue des manuscrits arabes. Deuxième partie: Manuscrits musulmans, tome I, 1*. Paris: Bibliothèque nationale.
- Déroche, François (1987-1989). « Les manuscrits arabes datés du IIIe/IXe siècle ». In: *Revue des Études Islamiques* 55-57, 343-379.
- Déroche, François (1992). *The Abbasid Tradition: Qur'ans of the 8th to the 10th Centuries A.D.* London: Nour Foundation.
- Déroche, François (2003). "Manuscripts of the Qur'an." In: *Encyclopaedia of the Qur'an*, volume 3. Edited by Jane Dammn McAuliffe. Leiden: Brill, 262-263
- Déroche, François (2016). "In the Beginning: Early Qur'ans from Damascus." In: *The Art of the Qur'an: Treasures from the Museum of Turkish and Islamic Arts*. Edited by Masumeh Farhad and Simon Rettig. Washington D.C.: Arthur M. Sackler Gallery, Smithsonian Institution, 60-75.
- Franke, Ute, Ina Sarikhani, and Stefan Weber (2021). *Five Millennia of Art and Culture*. Berlin: Hirmer.
- George, Alain F. (2010). *The Rise of Islamic calligraphy*. London: Saqi.
- George, Alain F. (2015a). "Coloured Dots and the Question of Regional Origins in Early Qur'ans. Part I." *Journal of Qur'anic Studies* 17:1, 1-44.
- George, Alain F. (2015b). "Coloured Dots and the Question of Regional Origins in Early Qur'ans. Part II." *Journal of Qur'anic Studies* 17:2, 75-102.
- Gruber, Christiane (2019). "The collectors who cut up a masterpiece" in: <https://www.prospectmagazine.co.uk/culture/39359/the-collectors-who-cut-up-a-masterpiece> (consulted at 27.10.2024).
- James, David (1980). *Qur'ans and Bindings from the Chester Beatty Library: A Facsimile Exhibition*. London: World of Islam Festival Trust.
- Lings, Martin and Y.S. Safadi (1976). *The Qur'an, Catalogue of an Exhibition of Qur'an Manuscripts at the British Library 3 April-15 August 1976*. London: The World of Islam Publishing Company Ltd.
- Marx, Michael, ed., (2025a), *Manuscripta Coranica*, with contributions by Ali Aghaei, Salome Beridze, Umberto Bongianino, Marcus Fraser, Esra Gözeler, Tobias Jocham, Tuba Kardeşahin, Mohammad Ali Khavanin Zadeh, Ayşenur Elif Ünal Şahin, Ignacio Sánchez and Karina Söhl, transliterations by Morteza Rahimi Ahangar, Mojgan Azimian, Salome Beridze, Sabrina Cimiotti, Laura Hinrichsen, Fatemeh Nayerec, Zahra Mollaei, Emaan Safah, Morteza Tavakkoli, Azam

- Shahpasand, Elahe Shahpasand, and Rahele Shahpasand, with assistance from Farah Artika, Lamees Azzam, Charlotte Bohm, Stefanie Franke, Hadiya Gurtmann, Annemarie Jehring, Manssur Karamzadeh, Tolou Khademalsharieh, Edin Mahmutovic, Nora Reifenstein, Jens Sauer, Johanna Schubert and Sophie Schmid, published by Berlin-Brandenburgische Akademie der Wissenschaften. <https://corpuscoranicum.org/en/manuscripts> (accessed 26.2.2026).
- Quaritch, Bernard (1938), *A selection of interesting books on a great variety of subjects with 27 illustrations, offered at the net prices affixed by Bernard Quaritch Ltd. No. 550*, London.
- Quiring-Zoche, Rosemarie (2013). "The Colophon in Arabic Manuscripts." *Journal of Islamic Manuscripts* 4, 49-81.
- Rovati, Emanuele (2021). "MS Vatican, Biblioteca Apostolica Vaticana, Sbath 48" (update: 25.02.2021), *Ptolemaeus Arabus et Latinus. Manuscripts*, URL = <http://ptolemaeus.badw.de/ms/924>.
- Sourd-Thomine, J. (1978). "Khatt." In: *Encyclopaedia of Islam*, second edition, volume IV. Leiden: Brill, 1113-22.
- Stanley, Tim. (1997), "Quaritch Islamicus." In: *The Book Collector: Special Number for the 150th Anniversary of Bernard Quaritch*, 151-159.
- Tabbaa, Yasser (1991). "The Transformation of Arabic Writing: Part I, Qur'anic Calligraphy." *Ars Orientalis* 21, 119-148.
- Whelan, Estelle (1990a). "Early Islam: emerging patterns (662-1050)." In: *Islamic Art & Patronage: Treasures from Kuwait*. Edited by Esin Atıl. New York: Rizzoli, 41-59.
- Whelan, Estelle (1990b). "Writing the Word of God: Some Early Qur'an Manuscripts and Their Milieux, Part I." *Ars Orientalis* 20, 113-47.
- Whelan, Estelle (unpublished). "The Phantom of Hijazi Script: A Note on Paleographic Method."
- Witkam, Jan Just (2007). "The oldest known dated Arabic manuscript on paper (dated Dhu al-Qa'da 252 (866 AD))." Originally published on 20 June 2002 in the (now obsolete) site of the former Oriental department in Leiden University Library, reviewed and republished on January 6, 2007; last update: January 11, 2007, accessed on 16.1.2020: http://www.islamicmanuscripts.info/E-publications/witkam_oldest_dated/index.html.
- Wust, Efraim (2020). *Catalogue of the Arabic, Persian, and Turkish Manuscripts of the Yabuda Collection of the National Library of Israel*. Volume II. Edited by Ofir Haim, Khader Salameh and Raquel Ukeles, with Yusuf al-Uzbeki and Aseel Fataftah. Translated into English by Leigh Chipman. Leiden: Brill.